

## دلایل نظامی شکست عراق در چهار عملیات ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس

حسین حمیدی نیا

سرهنگ علی صیاد شیرازی به سمت فرماندهی نیروی زمینی ارتش تأثیر به‌سزایی در روند جنگ و همکاری سازنده ارتش و سپاه بر جای گذاشت. ارتش عراق به همان نسبت که در مناطق وسیعی زمین‌گیر شده بود، نیروهای ایران را نیز درگیر پدافند کرده بود؛ بنابراین، در انتخاب منطقه عملیاتی، اهدافی تعیین می‌شد که افزون بر آزادی زمین، بتواند نیرو را نیز از خطوط پدافندی آزاد کند. در عمل، با استفاده از یگان‌های آزاد شده ارتش از خطوط پدافندی و نیز با استفاده از سازمان روبه‌گسترش سپاه پاسداران، نیروهای مسلح ایران برای اجرای عملیات بر قدرتش افزودند. به این ترتیب، متناسب با رشد توان نیروی خودی، وسعت مناطق عملیاتی انتخاب شده نیز افزایش یافت آن‌چنان‌که در چهار عملیات بزرگ، استعداد به کار گرفته شده افزایش چشمگیری داشت، یعنی از ۲۵ گردان در عملیات ثامن الائمه به ۳۲ گردان در عملیات طریق القدس، ۱۳۵ گردان در فتح المبین و ۱۴۴ گردان در عملیات بیت المقدس رسید و متناسب با آن وسعت مناطق عملیاتی نیز به ترتیب از ۱۵۰ کیلومتر مربع به ۶۵۰، ۲۵۰۰ و ۵۴۰۰ کیلومتر مربع گسترش یافت.<sup>۱</sup> زنجیره‌ای بودن این عملیات‌ها از دیگر ویژگی آنها بود. به این معنا که اجرای هر یک از عملیات‌های بزرگ به موفقیت عملیات قبلی بستگی داشت. به همین دلیل، ترتیب و توالی آنها نیز بسیار مهم بود. با این مقدمه می‌توان فرضیه زیر را درباره دلایل نظامی

چهار عملیات بزرگ ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس از مقاطع حساس و عملیات‌های اصلی دوره سرنوشت‌ساز جنگ هستند. برکناری ابوالحسن بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا، موجب تحول در جنگ شد، یعنی نگرش به جنگ، استراتژی نظامی، فرماندهی میدان نبرد، سازمان عمل‌کننده، طرح‌ریزی و تاکتیک‌های به کار گرفته شده تغییر کرد و اندیشه جنگ سنتی با آموزه جنگ انقلابی در هم آمیخت. هم‌چنین در یک سال نخست جنگ، تداوم عملیات، به‌دست آوردن تجربیات، افزایش کارایی کادرها و دست‌اندرکاران عملیات‌ها، توانایی جذب هرچه بیشتر نیروهای داوطلب و به‌کارگیری مناسب‌تر آنان، به تدریج زمینه‌های لازم را برای بهبود اوضاع جنگ و ایجاد وضعیت جدید فراهم کرد. در آن وضعیت نوین، سپاه که طی یک سال نخست جنگ بیشترین توان خود را به مسائل فرهنگی و امنیتی معطوف کرده بود، به سمت نظامیگری گرایش یافت و ضمن گسترش سازمان رزم خود، استعداد گردان‌های مستقل را تا سطح تیپ افزایش داد و امکان جذب انبوه نیروهای مردمی را فراهم آورد، به گونه‌ای که توانست در چهار عملیات مزبور، نیروی کادر و بسیجی خود را از ۲۵۰۰ تن در عملیات ثامن الائمه به شصت هزار تن در عملیات بیت المقدس افزایش دهد.<sup>۱</sup> با برکناری بنی‌صدر در سال ۱۳۶۰ تحول در مدیریت و فرماندهی ارتش به یک ضرورت تبدیل شد و انتخاب

عقبه نیروهای عراقی مستقر در منطقه عمومی بستان و سوسنگرد را می بستند و ضمن محاصره آنها منطقه را آزاد می کردند. به عبارت دیگر، این عملیات در صورت موفقیت می توانست در سرنوشت جنگ، تأثیر کلی داشته باشد، اما ضعف در برآورد و طراحی عملیات و نیز نداشتن شناسایی کافی از زمین و دشمن به شکست عملیات مزبور انجامید.<sup>۳</sup>

#### عملیات ۳ آبان ۱۳۵۹

قرارگاه فرماندهی ارونند این عملیات را طراحی و اجرا کرد، اما این عملیات نیز به دلیل تناسب نداشتن نیروهای خودی با نیروهای عراقی، بی تجربگی در زمینه جنگ در گرمای سوزان خوزستان، آتش سنگین نیروهای عراقی و به طور کلی، ضعف در طراحی و اجرا در همان روز با شکست روبه رو شد. هدف از این عملیات، آزادسازی منطقه شرق کارون و شکستن حصر آبادان بود.<sup>۴</sup>

#### عملیات نصر (هویزه)

ارتش جمهوری اسلامی ایران طراحی و اجرای این عملیات را بر عهده داشت. براساس طرح عملیات، پیش بینی شده بود که لشکرهای ۱۶ و ۹۲ زرهی ضمن انجام تک به نیروهای عراقی در منطقه جنوب غربی اهواز، این نیروها را از پادگان حمید و جفیر بیرون کنند و در ادامه، با آزادسازی خرمشهر نیروهای عراقی را تا کناره شرقی رود دجله به عقب نشینی وادار کند.<sup>۵</sup> این عملیات در تاریخ ۱۵ دی ماه ۱۳۵۹ آغاز شد. هرچند توان به کار گرفته شده در این عملیات با وسعت منطقه عملیاتی و اهداف آن متناسب

شکست عراق در چهار عملیات بزرگ، عنوان کرد. تغییر در فرماندهی جنگ به دگرگونی در رویکرد نظامی ایران و انتخاب آموزه جنگ انقلابی - مردمی منجر شد. عراق این تغییر و هم چنین اثرات آن را برای مدتی طولانی درک نکرد. در نتیجه، تغییری در استراتژی نظامی از جمله شکل خطوط پدافندی این کشور روی نداد؛ بنابراین، شکل ویژه خطوط پدافندی آن در داخل خاک ایران مناسب ترین فرصت را برای نیروهای نظامی فراهم آورد تا طی چهار عملیات بزرگ پی در پی، ضربه های خردکننده ای را به ارتش عراق وارد آورند و بخش های وسیعی از مناطق اشغالی را آزاد کنند. به این ترتیب، دو دلیل عمده نظامی را می توان برای شکست های عراق برشمرد:

الف) انتخاب آموزه جنگ انقلابی - مردمی از سوی ایران؛ و ب) شکل ویژه خطوط پدافندی ارتش عراق در خاک ایران.

#### الف) انتخاب آموزه جنگ انقلابی - مردمی

مدتی پس از هجوم سراسری ارتش عراق، ارتش ایران چهار عملیات گسترده را در چارچوب استراتژی آزادسازی سرزمین های اشغال شده، طرح ریزی و اجرا کرد که در صورت موفقیت آمیز بودن آنها، نه تنها سرزمین های اشغالی آزاد و مرزهای بین المللی در استان خوزستان تأمین می شد، بلکه دشمن نیز تا حومه بصره و العمارة به عقب رانده می شد، اما در چارچوب نگاه سنتی به جنگ، ابزار کافی برای اجرای این استراتژی وجود نداشت و توان به کار گرفته شده برای نیازهای عملیاتی کافی نبود؛ بنابراین، تلاش یاد شده به نتیجه نرسید و جنگ با بن بست روبرو شد.

#### ۱) تجربه ناموفق

##### عملیات بله نادری

این عملیات در تاریخ ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹ در منطقه غرب دزفول اجرا شد. طبق پیش بینی انجام شده، نیروهای مسلح ایران باید از دو محور اندیمشک - دهلران و اندیمشک - چنانه - فکه به نیروهای عراقی تک می کردند و ضمن عقب راندن آنها، مرزهای بین المللی را تأمین می نمودند و با پیشروی به سمت حلفائیه و چزابه،



بود؛ ارتشی که پس از پیروزی انقلاب با مشکلات متعددی روبه‌رو بود و در مرحله انتقالی از ارتش شاهنشاهی به ارتش جمهوری اسلامی قرار داشت.

بنی‌صدر پس از ناکامی نبردهای پل نادری، نصر و توکل، باید عملکرد خود را در طول پنج ماه بازنگری می‌کرد. وی برای فرار از پاسنگویی و نیز عدم توانایی برای حل مشکل جنگ، بحران‌های داخلی را تشدید کرد تا با کسب موفقیت در این بحران‌ها سرپوش مناسبی را برای شکست‌هایش بیابد. وی با این اقدام، عملاً زمینه‌های برکناری خود را از مقام فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری قطعی کرد. در همین راستا، به فرمان بنی‌صدر ارتش از آغاز سال ۱۳۶۰ استراتژی پدافندی را در پیش گرفت.<sup>۷</sup> در پی این امر و به دستور رهبر انقلاب، در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ وی از مقام فرماندهی کل قوا برکنار و پس از چند روز، با تصویب مجلس شورای اسلامی از مقام ریاست جمهوری نیز عزل شد.

## ۲) ثبات و هماهنگی

برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا، استراتژی آزادسازی سرزمین‌های اشغالی را تغییر نداد، اما به‌طور کلی، دیدگاه مقامات عالی‌سیاسی و نظامی جنگ را درباره روش‌ها و ابزارها عوض کرد. تغییر در رویکرد نظامی ایران ابعاد گوناگونی داشت که درنهایت، به آزادسازی بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های اشغالی منجر شد. این ابعاد عبارت بودند از:

### گسترش سازمان رزم سپه

تأثیرات ناشی از وحدت و یکپارچگی داخلی به افزایش حضور مردم در جبهه‌های جنگ منجر شد. پیش از آن، در زمان فرماندهی بنی‌صدر، سپاه پاسداران از تجهیزات، امکانات و توجه اندکی برخوردار بود و نسبت به آن بی‌مهری می‌شد، اما با دگرگونی شرایط، سپاه توانست توان خود را افزایش و ظرفیت به‌کارگیری متمرکز نیروهای مردمی را گسترش دهد و از این عامل اساسی در راستای پیش‌برد اهداف نظامی استفاده کند. به‌گونه‌ای که ظرف مدت دو ماه، سپاه توانست در آستانه عملیات ثامن الائمه، ۲۵ گردان رزمی را فراهم کند و در ادامه این روند، تعداد گردان‌های رزمی خود را در سه عملیات بعدی به ترتیب به ۳۲، ۱۳۵ و ۱۴۴ گردان افزایش دهد.<sup>۸</sup>

نمود، اما مرحله نخست عملیات با موفقیت چشمگیری اجرا شد و هشتصد تن از نیروهای عراقی به اسارت درآمدند، اما در ادامه، بر اثر فشار دشمن که از نظر سازماندهی، تجهیزات و جنگ زرهی بر نیروهای خودی برتری داشت نه تنها ادامه عملیات ناممکن شد، بلکه حفظ منطقه آزاد شده نیز به مشکل برخورد. در نهایت، با عقب‌نشینی بدون برنامه، غنایم به دست آمده در منطقه باقی ماند و جمعی از نیروهای مسلح کشورمان نیز شهید یا اسیر شدند.

## عملیات توکل

پس از اجرای ناموفق عملیات ۳ آبان ۱۳۵۹ در منطقه عمومی آبادان، عملیات توکل با فرماندهی ستاد اروند و زیر نظر ستاد مشترک ارتش طرح‌ریزی و در تاریخ ۲۲ دی ماه همان سال اجرا شد. طبق پیش‌بینی انجام شده، یگان‌های خودی باید در چند مرحله از شمال شرقی آبادان تا مرز شلمچه پیش‌روی می‌کردند. مرحله نخست این

## دو دلیل عمده نظامی را می‌توان برای

### شکست‌های عراق بر شمرد:

**الف) انتخاب آموزه جنگ انقلابی - مردمی؛**  
**ب) شکل ویژه خطوط پدافندی ارتش عراق در خاک ایران.**

عملیات از سه محور آغاز شد، اما به دلیل ناهماهنگی نیروهای هر سه محور ادامه عملیات با شکست روبه‌رو شد. با ناکامی مرحله نخست، اجرای مراحل بعدی عملیات نیز منتفی شد. این آخرین عملیات گسترده به شیوه سنتی بود و تا زمان برکناری ابوالحسن بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و دگرگونی استراتژی جنگ، عملیات دیگری روی نداد.

به این ترتیب، مشاهده می‌شود که پس از انجام چهار عملیات بزرگ و در عین حال ناموفق، آموزه جنگ سنتی صرف به بن‌بست رسید. تنها راه‌هایی از این بن‌بست، با تغییر رویکرد فرماندهان و مسئولان نسبت به جنگ، امکان‌پذیر بود؛ بنابراین، هر چند گریزی از استراتژی آزادی سرزمین‌های اشغالی نبود، اما باید ابزارها و روش‌ها تغییر می‌کرد، ولی بنی‌صدر در مقام فرمانده کل قوا به جای به‌کارگیری عناصر ارتش و نیروهای مردمی و ایجاد هماهنگی لازم میان آنها تنها به نیروهای ارتش تکیه کرده

### همکاری و هماهنگی ارتش و سپاه

وحدت ارتش و سپاه از ویژگی‌های دیگر آموزه جنگ انقلابی - مردمی بود. در این رویکرد، زمینه‌های نزدیکی نیروهای مسلح سنتی به نیروهای مسلح انقلابی فراهم شد و ارتش با قرار گرفتن در کنار سپاه، روحیه از دست رفته خود را دوباره به دست آورد. نقطه ثقل این استراتژی را می‌توان در نوع برخورد با دشمن، بر اساس بهره‌گیری از ضعف‌های پدافندی یگان‌های عراقی دانست.<sup>۹</sup>

### عدم درک عراق از وضعیت جدید

عراق از روند شکل‌گیری تحولات جدید که اساساً بر حضور گسترده مردم در میدان‌های جنگ و وحدت و یکپارچگی در صحنه سیاسی داخلی مبتنی بود، درک درستی نداشت. همین مسئله موجب شد تا عراق، به دلیل باور و ذهنیت نادرست خود نسبت به تاکتیک رزمندگان اسلام، غافلگیر شود و به ناچار از مناطق اشغالی عقب‌نشینی کند.

### افزایش نوآوری و خلاقیت در صحنه‌های جنگ

فضای بسیار مناسبی که در اثر تغییر آموزه جنگی ایران ایجاد شده بود به افزایش خلاقیت و نوآوری در صحنه‌های جنگ منجر شد. هر چند تا پیش از آن، رزمندگان از انواع امکانات، تجهیزات و ملزومات مورد نیاز در صحنه جنگ استفاده می‌کردند، اما موفق نشدند دشمن را از مناطق اشغالی بیرون کنند، ولی با تغییر اوضاع حاکم بر کشور، بار دیگر روح ابتکار و خلاقیت بر فضای جبهه‌ها حاکم شد که تغییر توازن نظامی به سود نیروهای مسلح ایران از دستاوردهای آن به شمار می‌رفت. انجام تک‌ها و حمله‌ها در تاریکی شب و خودداری از حملات جبهه‌ای و بهره‌گیری از نقاط ضعف پدافندی عراق از جمله ابتکارات و نوآوری‌هایی بود که می‌توان آنها را نتیجه انتخاب آموزه جدید دانست.

### (ب) شکل ویژه خطوط پدافندی ارتش عراق

شکل ویژه خطوط پدافندی عراق و دیدگاه غلط سرفرماندهی ارتش عراق در تخصیص نیرو در طول خطوط پدافندی دومین دلیل عمده نظامی بود که به شکست عراق در چهار عملیات بزرگ منجر شد. هر دو عامل یاد شده به اهداف استراتژی نظامی عراق در آغاز جنگ بازمی‌گشت. در آغاز جنگ استراتژی نظامی عراق شدیداً از نظام بین‌المللی و اوضاع داخلی و خارجی ایران متأثر بود و این شرایط در تعیین حدود و گستردگی اهداف عراق، نقش مهمی را ایفا می‌کرد.

هدف اصلی عراق از تهاجم به جمهوری اسلامی ایران تصرف خوزستان و تأسیس کشوری به نام عربستان بود. با نگاهی به وضعیت داخلی ایران و اوضاع بین‌المللی به نظر می‌رسید که دستیابی به چنین هدفی صددرصد امکان‌پذیر است، اما با توجه به وسعت استان خوزستان، عراق باید



بیش از پنج لشکری که برای این کار در نظر گرفته بود نیرو و امکانات به کار می‌گرفت.<sup>۱۱</sup> در آغاز جنگ، استراتژی عراق بر دو تفکر نظامی و سیاسی استوار شده بود. براساس تفکر نظامی، منطقه میانی مرز ایران، همواره باید تأمین می‌شد تا پایتخت عراق از حمله متقابل ایران در امان باشد. براساس اندیشه سیاسی، با زدن نخستین جرقه جنگ - هرچند محدود - با پشتیبانی قدرت‌های خارجی و سود بردن از وضعیت داخلی ایران، قادسیه جدیدی انتظار می‌رفت.

در ماه‌های نخست جنگ، دو عامل ارتش عراق رامتوقف کرد: (۱) آشکار شدن تصور نادرست پیروزی

### در آغاز جنگ، بر اساس استراتژی نظامی عراق منطقه میانی مرز ایران، همواره باید تأمین می‌شد تا پایتخت عراق از حمله متقابل ایران در امان باشد

برق آسا برای فرماندهان عراقی و پی بردن به عدم تناسب میان ابزار (توان ارتش عراق) و هدف‌های تعیین شده؛ و (۲) ایستادگی نیروهای ارتش در مرز با انجام عملیات تأخیری و نیروهای مردمی در شهرها. اصولاً اهداف عراق در جنگ بیشتر سیاسی بود؛ بنابراین، پیکان حمله نیروهای عراق رو به سوی شهرها و مراکز اقتصادی و جمعیتی قرار داشت. در نتیجه، ارتش عراق به سرعت به سوی شهرهای عمده پیشروی کرد و در همین راستا، به مدت چهار روز در غرب کرخه تا عمق پنجاه تا هشتاد کیلومتری (بسته به این که از چه منطقه مرزی محاسبه شود) پیش رفت، اما در خرمشهر، فاصله هفت کیلومتری تا پل نور را در هفت روز پشت سر گذاشت.<sup>۱۲</sup>

به دلیل درک نادرست از اوضاع داخلی ایران و دخالت‌های قدرت‌های خارجی در نظام تصمیم‌گیری عراق، میان تدابیر و اهداف نظامی از یکسو و مقاصد سیاسی از سوی دیگر پیوند منطقی وجود نداشت.<sup>۱۳</sup> به این ترتیب، در تقسیم و تخصیص نیروها در مناطق گوناگون، اشتباه آشکاری روی داد. اختصاص پنج لشکر به جبهه میانی برای تأمین بغداد در نهایت به زمین‌گیر شدن آنها انجامید و ارتش عراق را در منطقه اصلی جنگ، یعنی خوزستان با کمبود شدید نیرو روبه‌رو کرد؛ امری که با اصل تمرکز قوا تناقض آشکار داشت.<sup>۱۴</sup>

جدا از ایستادگی و مقاومت نیروهای مردمی در برابر

حمله ارتش عراق، اقدامات و عملیات‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران در چهار ماهه نخست جنگ و اتخاذ استراتژی پدافند پس از شکست چهار عملیات بزرگ سال ۱۳۵۹، شرایط روانی‌ای را پدید آورد که رهبران و فرماندهان عراقی تصور کردند نیروهای ایران توان بازپس‌گیری مناطق اشغالی را ندارند؛ بنابراین، مسئولان عراقی اعم از سیاسی و نظامی بدون توجه به آرایش نادرست نیروهای عراقی در خوزستان تصور کردند حضور نیروهای عراقی در مناطق اشغالی عامل مؤثری برای دستیابی به اهداف سیاسی مورد علاقه آنها خواهد بود.

مجموعه چنین عوامل و شرایطی موجب شد تا ارتش عراق که پیشروی خود را بر اساس تحلیل‌های سیاسی و استراتژیک آغاز کرده بود، پس از روبه‌رو شدن با واقعیت‌های صحنه جنگ و درک عملی مشکلات موجود آن، ضمن تعدیل اهداف استراتژی نظامی خود، در پشت خطوط پدافندی ناموزن و نامطمئن توقف کند. این امر دومین دلیل عمده نظامی شکست عراق در چهار عملیات بزرگ سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۱ بود.

با نگاهی به نقشه خطوط پدافندی عراق در منطقه خوزستان، درمی‌یابیم که ارتش این کشور به ابتدایی‌ترین اصول مربوط به جنگ در این مورد بی‌توجه بوده است. ارتش عراق بیشتر به اهداف سیاسی توجه می‌کرد تا هدف‌های نظامی؛ بنابراین، در تلاش برای کسب برتری سیاسی، به گونه‌ای پیشروی کرده بود که بتواند با حداکثر سرعت مراکز شهری و اقتصادی خوزستان را تصرف کند. با این تحلیل پیکان اصلی حملات عراق متوجه سه محور دزفول - اندیمشک، سوسنگرد - اهواز و خرمشهر - آبادان بود. در نتیجه، نخستین شکاف اصلی بین نیروهای عراقی در میان این سه محور پدید آمد. به‌طور کلی، با در نظر گرفتن این محورها و مناطق اشغالی در جنوب چهار منطقه عملیاتی قابل تشخیص بود: الف) منطقه شرق کارون؛ ب) منطقه غرب کارون و دشت آزادگان؛ ج) منطقه بستان؛ و د) منطقه غرب دزفول و شوش.

#### ۱) عملیات ثامن الائمه

نیروهای عراقی در محور خرمشهر - آبادان با عبور از مرز و پیشروی به عمق خاک ایران ضمن تصرف خرمشهر از رود کارون عبور کردند و پس از رسیدن به رود بهمنشیر در شمال شرقی آبادان کوشیدند از این رودخانه نیز بگذرند و آبادان را تصرف کنند. ایستادگی نیروهای مردمی و اندیشه



یکی دیگر از ویژگی های منطقه عملیاتی شرق کارون این بود که با توجه به تکیه سرپل اشغالی به رود کارون، پس از پیروزی و عقب راندن نیروهای عراقی به طور چشمگیری از طول خطوط پدافندی کاسته شد و با تکیه به رود کارون عملاً نیروی پدافندی اندکی در امتداد کارون مستقر شد و سایر نیروها آماده عملیات بعدی شدند.

## ۲) عملیات طریق القدس

خطوط پدافندی عراق در منطقه عملیاتی طریق القدس، از آغاز جنگ تا آستانه اجرای این عملیات بسیار دگرگون شد. وجود محور مواصلاتی اهواز، سوسنگرد، بستان و عمق کم پیشروی نیروهای عراقی در این منطقه، همواره ذهنیت فرماندهان نظامی را برای انجام یک عملیات گسترده و تأمین مرزهای بین المللی به خود مشغول کرده بود. فاصله مواضع مقدم خودی با مرز درمقایسه با منطقه غرب دزفول و منطقه جنوب غربی اهواز و دشت آزادگان، بسیار کم تر بود. از سوی دیگر، این منطقه به دلیل داشتن موقعیت مرکزی در جبهه جنوب سبب پیوستگی سپاه چهارم و سوم ارتش عراق در شمال و جنوب خوزستان می شد. در صورتی که عراق این منطقه را در اختیار نداشت، مجبور بود ارتباط جبهه شمالی با جنوبی را با دور زدن هورالعظیم از کرانه غربی آن و با استفاده از جاده بصره، العماره، حلفائیه به تنگ چرابه یا فکه برقرار کند.

پیش از عملیات طریق القدس در طول شش ماهه نخست سال ۱۳۶۰، بیشترین تعداد تک های محدود انجام شده توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در این منطقه اجرا و طی عملیات امام علی (ع) (۱۳۶۰/۲/۳۱) - ۱۳۶۰/۳/۵، شهید رجایی و باهنر (۱۳۶۰/۶/۱۱) و عملیات شهید مدنی (۱۳۶۰/۶/۲۷) بخشی از سرزمین های اشغالی از جمله بلندی های استراتژیک الله اکبر در شمال غربی سوسنگرد از اشغال نیروهای عراقی آزاد شده بود.<sup>۱۴</sup>

خطوط پدافندی عراق در منطقه عملیاتی طریق القدس به گونه ای بود که عراقی ها براساس اندیشه های سنتی فرماندهان عراقی و براساس تجربیاتی که در طول یک سال جنگ به دست آورده بودند، جهت تهاجم اصلی نیروهای ایرانی را یک تک جبهه ای از شرق به غرب در نظر گرفتند، بنابراین، براساس این اندیشه، مواضع و استحکامات خود را آرایش دادند. خط پدافندی اصلی ارتش عراق در این منطقه، خاک ریزی به طول ۲۰ تا ۲۱ کیلومتر بود که رأس جنوبی آن به رود نیسان و رأس شمالی آن به تپه های رملی

سنتی فرماندهان عراقی که حمله به آبادان از سوی اروندرود را ناممکن تصور کرده بودند، در نهایت، موجب حضور ناقص نیروهای عراقی در شرق کارون شد. در ماه های نخستین جنگ، خطوط پدافندی عراق در سرپل شرق کارون، منطقه ای به عرض پانزده کیلومتر در امتداد کارون و عمق پانزده کیلومتر به طرف محور آبادان - ماهشهر رادر بر می گرفت. در بخش شمالی سرپل، عمق منطقه اشغالی از پنج کیلومتر هم کم تر بود. کل منطقه عملیاتی تنها از راه دو پل شناور پی ام بی در قصبه و مارد با عقبه خود در غرب کارون پیوند داشت.<sup>۱۵</sup>

اگر ایران در چنین منطقه ای به عراق حمله می کرد، نیروهای موجود عراق حتی بدون نیروی کمکی نیز به دلیل تراکم بالا در برابر آتش های توپخانه و سلاح های نیمه سنگین به شدت آسیب پذیر بودند و وارد کردن نیروهای بیشتر به آن منطقه از سوی عراق خارج از استانداردهای متعارف جنگ بود. از سوی دیگر، با توجه به محدودیت منطقه اشغالی، عراق قدرت مانور چندانی نداشت و نمی توانست در حد سپاه و لشکر، یک نیروی احتیاطی را به منطقه وارد کند و تنها قادر بود که در رده تیپ، نیروی احتیاط به منطقه شرق کارون اعزام نماید. در مقابل، نیروهای ایرانی از شرایط مناسبی برخوردار بودند؛ زیرا، در تمامی عرض جبهه (حدود پانزده کیلومتر)، از سه جهت شمال، شرق و جنوب امکان مانور داشتند و اگر نیروهای تکاور ایران تنها از محور شمالی و جنوبی هم زمان پیشروی می کردند، عرض منطقه هر یک از نیروهای حمله کننده حدود هفت کیلومتر بود که با توجه به وجود هدف در عمق کم تر از ده کیلومتر برای پیشروی نیروهای پیاده بسیار مناسب به نظر می رسید، بنابراین، گسترش نیروهای عراقی در شرق کارون باعث شد تا نیروهای ایرانی با اتخاذ تاکتیک مناسبی پیروزی چشمگیری به دست آورند.

در عملیات ثامن الائمه، با حضور ۲۵ گردان از نیروهای مردمی که توسط سپاه سازماندهی شده بودند و لشکر ۷۷ خراسان، نیروی کافی برای انجام عملیات تهاجمی فراهم شد. در پی این امر و با اتخاذ تاکتیک مناسب، نیروهای عراقی از نظر تاکتیکی غافلگیر شدند و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با پیشروی برق آسا به سوی دو پل شناور مستقر در قلب منطقه عملیاتی عملاً تمامی نیروهای عراقی مستقر در منطقه شرق کارون را به هلاکت رساندند یا اسیر کردند. طبق آمار در این عملیات، ۱۵۰۰ عراقی کشته و مجروح و در حدود ۱۸۰۰ تن نیز اسیر شدند.<sup>۱۶</sup>

آتش دست کم چهار گردان توپخانه که با دو تیپ زرهی و مکانیزه دیگر تقویت می شدند پدافند می گردید.<sup>۷</sup>

باتوجه به چنین وضعی، بررسی های انجام شده نشان داد که اجرای مانور احاطه ای در جنوب کرخه امکان پذیر نیست؛ زیرا، پهلوهای شمالی و جنوبی دشمن در این منطقه به رودخانه های کرخه و نیسان متکی بود و گسترش نیروهای عراقی به گونه ای بود که هیچ جناح باز یا ضعیفی که امکان اجرای مانور احاطه ای را برای نیروهای ایرانی فراهم آورد وجود نداشت؛ بنابراین، در منطقه جنوب کرخه، نیروهای مسلح ایران ناگزیر باید مانور رخنه ای را اجرا می کردند.

در بخش شمال کرخه، پهلوئی جنوبی دشمن به رودخانه کرخه و پهلوئی شمالی اش به منطقه تپه ماهورهای رملی دامنه کوه میشداغ تکیه داشت؛ بنابراین، تهدید جناح جنوبی و عقبه دشمن به دلیل وجود رودخانه کرخه ممکن نبود. زمین های رملی جناح شمالی نیز به دلیل ناممکن بودن حرکت ادوات زرهی و چرخدار غیرقابل عبور نشان می داد؛ به همین علت، نیروهای دشمن در شمال کرخه پهلوئی راست خود را برای تأمین و جلوگیری از آسیب پذیری به منطقه رملی متکی کردند.

در حقیقت، کلید پیروزی عملیات طریق القدس و شکست نیروهای عراقی در همین منطقه رملی نهفته بود. تغییر محتوای استراتژی نظامی ایران که از یکسو به کارگیری نیروهای مردمی را امکان پذیر و از سوی دیگر قوه خلاقیت و نوآوری نیروهای انقلابی را شکوفا کرده بود، در تشخیص این نقطه ضعف دشمن و حداکثر استفاده از آن، نقش مهمی را ایفا کرد. سپاه پاسداران باتوجه به شناسایی های انجام شده، استفاده از معبر رملی را برای تهدید جناح دشمن در شمال کرخه و دورزدن عقبه او در غرب بستان با به کارگیری یگان های خود که از نیروهای بسیج مردمی تشکیل می شد، امکان پذیر می دانست. به همین منظور سپاه پاسداران، نیروهای بسیج مردمی را در قالب چهار تیپ پیاده شامل تیپ های امام حسین، عاشورا، کربلا و امام سجاد برای شرکت در عملیات سازماندهی کرد که از میان آنها یک تیپ سپاه به همراه یک تیپ زرهی ارتش مأمور انجام عملیات در منطقه رملی بودند. به طور کلی، سپاه پاسداران در عملیات طریق القدس، از ۳۴ گردان استفاده کرد که از این میان، ۲۹ گردان در خط و پنج گردان نیز به عنوان احتیاط در نظر گرفته شده بود.<sup>۸</sup>

به این ترتیب، بر نیروهای دشمن در شمال کرخه، در

شمال بستان منتهی می شد. در شمال کرخه، این خط از حوالی آبادی جابر حمدان در یک خط مستقیم روبه شمال تا تپه ماهورهای رملی و غیرقابل عبور دامنه های میشداغ متشکل از یک خاکریز بلند به ارتفاع ۲/۵ متر و عرض بیش از سه متر با خاک کاملاً کوبیده و محکم شده بود. در سراسر این خط، با استفاده از کیسه های شن، الوار، تیر آهن و ورقه های فلزی، سنگرهای جنگ افزار انفرادی و اجتماعی، پناهگاه برای نفرات و به فاصله هر صد متر یک سکوی آتش برای تانک یا نفربرهای حامل موشک مالیوتکا ساخته شده بود. این خاکریز از سمت جنوب به رود کرخه و از سمت شمال به زمین های رملی متکی شده بود. خاکریز یادشده در زمین های رملی با یک زاویه تقریباً هفتاد درجه به سمت غرب می پیچید و حدود ۲/۵ الی ۳ کیلومتر دیگر در امتداد دامنه های تپه های رملی ادامه داشت. این بخش برای تأمین هر چه بهتر پهلوئی شمالی ایجاد شده بود. این خاکریز به دلیل شکل ویژه اش به خاکریز عصا معروف بود. در پشت این خاکریز که تا شهر بستان در حدود بیست کیلومتر فاصله داشت، یگان های پیاده و مکانیزه دشمن استقرار داشتند. این یگان ها به انواع جنگ افزارهای ضدزره مجهز بودند و استعداد آنها از یک تیپ تقویت شده بیشتر بود. ارتش عراق در فاصله میان این خاکریز تا شهر بستان، خاکریزهای عرضی و طولی متعددی را که به صورت مواضع پدافندی آرایش یافته بودند ایجاد کرد، تا بتواند هر گونه رخنه و نفوذی را به این منطقه چه از شرق به غرب و چه از شمال به جنوب کنترل و خنثی کند، اما جهت اصلی مواضع پدافندی متوجه شرق بود. در جلوی این خاکریز، یک میدان مین به عرض دویست متر نیز ایجاد شده بود که در آن، مین های ضدنفر، تانک و منور به کار رفته بود. در جلوی این میدان مین منظم، میدان مین نامنظمی نیز به پهنای صد متر ایجاد شده بود، کل این میدان های مین با تیربارهای مستقر در خاکریز عصا و جنگ افزارهای سبک و چند ردیف سیم خاردار پوشش یافته بود.

مواضع اصلی پدافندی عراق در جنوب کرخه تا رود نیسان در امتداد همان خاکریز عصا شکل، با همان ویژگی ها و مشخصات و مستحکم تر از آن احداث شده بود. این خاکریز که به کناره نهر عبید متکی بود به طول چهارده الی پانزده کیلومتر به سمت جنوب تا رودخانه نیسان امتداد داشت و در پشت آن، خاکریزها و مواضع متعددی برای سازماندهی پدافند در عمق ساخته شده بود. مواضع جنوب کرخه توسط چهار تیپ پیاده مکانیزه و زرهی دشمن و

۷۵ کیلومتر و با نیروهای اندکی امکان‌پذیر بود. خطوط پدافندی غرب و جنوب منطقه عملیاتی نیز با تکیه بر هورالعظیم و رود نیسان به صورت قابل اعتمادی با نیروی اندکی قابل دفاع بود. به این ترتیب، بخش بزرگی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برای انجام عملیات بعدی آزاد شدند.

### ۳) عملیات فتح‌المبین

شکست عراق در عملیات فتح‌المبین به دنبال دو شکست قبلی روی داد. گسترش حضور نیروهای مردمی و هماهنگی ارتش و سپاه که در راستای استراتژی برتر نظامی ایران قابل تعریف بود، همراه با اتخاذ تاکتیک ویژه، دورزدن نیروهای عراقی و بستن عقبه‌های دشمن در تنگه عین‌خوش و رقابیه با استفاده از جناح‌های باز مواضع پدافندی ارتش عراق در شمال و جنوب منطقه عملیاتی، هم‌زمان با تک جبهه‌ای در جبهه شوش و دزفول سبب پیروزی در این عملیات شد. اساساً تا این زمان عراق، هنوز استراتژی نظامی جدید ایران را درک نکرده بود و خطوط اصلی این استراتژی برای سرفرماندهی ارتش این کشور مبهم بود. فرماندهان عراقی هنوز هم علت شکست‌های خود را ضعف نیروها و عدم اتخاذ تدابیر لازم در خطوط پدافندی می‌دانستند؛ بنابراین، عراق برای کسب آمادگی جهت مقابله با عملیات آتی نیروهای ایرانی دست به یک حمله تأخیری در تنگه‌چزابه زد که با شکست سختی

خط مقدم و عقبه آنها تک شد و هم‌زمان با درگیر شدن یگان‌های مقدم با نیروهای رخنه‌کننده، نیروهای عمل‌کننده، یگان‌های احتیاط و توپخانه دشمن را از منطقه رملی هدف حمله قرار دادند، اما مسئله اصلی این بود که وجود جاده تا نزدیکی نقطه رهایی برای حضور نیروهای پیاده و زرهی در مکان مناسب جهت آغاز حمله در منطقه رملی الزامی بود.

به این منظور، پیشنهادهای گوناگونی ارائه شد که از آن جمله می‌توان به نصب صفحه‌های فلزی ویژه فرود بالگرد که عملاً با عبور وسایط نقلیه در رمل‌ها فرو رفت اشاره کرد. سرانجام، پیشنهاد جهادسازندگی پذیرفته شد و نیروهای جهاد استان سمنان با حمل خاک رس به مناطق رملی، در نهایت اختفا کار احداث جاده را به پایان رساندند. عملیات در سی دقیقه بامداد ۸ آذر ۱۳۶۰ آغاز شد و در مدت زمان کوتاهی، نیروهای مسلح ایران با استفاده از تدبیر یادشده و حمله به نیروهای عراقی از سمت زمین‌های رملی توانستند تنگه چزابه را در عمق منطقه اشغالی تصرف کنند. انهدام نیروهای احتیاط و توپخانه دشمن در نخستین ساعت‌های حمله از دیگر ویژگی‌های این عملیات بود. تمام این پیروزی‌ها در نتیجه غافلگیری عراق از نظر تاکتیک و استفاده از زمین‌های رملی شمال منطقه نبرد به دست آمد. نیروهای ایران با پیروزی در عملیات طریق‌القدس خطوط پدافندی خودی را به نحو مطلوبی اصلاح کردند. از سمت شمال غربی، دفاع از بستان تنگه‌چزابه به عرض ۱ تا





روبه‌رو شد و انجام عملیات فتح‌المبین را ۴۵ روز به عقب انداخت.

سیستم اداره جنگ به صورت جنگ مردمی که در عملیات طریق‌القدس به شکل محدود و ابتدایی اجرا شد در عملیات فتح‌المبین، به صورت گسترده‌تر و کامل‌تر به اجرا درآمد، فرماندهی مشترک ارتش و سپاه از بالاترین تا پایین‌ترین رده فرماندهی به کار گرفته شد، ادغام نیروها به گونه‌ای انجام شد که بتوانند ضمن تکمیل نقاط ضعف یکدیگر از نقاط قوت خود به نحو مطلوب استفاده کنند. هم‌چنین، سازمان رزم سپاه پاسداران نیز به سرعت گسترش یافت.

منطقه عملیاتی فتح‌المبین شبیه یک دوزنقه بود که قاعده بزرگ آن در امتداد بلندی‌های تینه تا میشداغ و قاعده کوچک آن به موازات رود کرخه قرار داشت. دو ضلع دیگر دوزنقه یاد شده یک خطی بود که به موازات جاده دهلران - اندیمشک جناح شمالی منطقه عملیاتی را تشکیل می‌داد و ضلع چهارم هم خطی بود که از رودکرخه تا دامنه‌های جنوبی میشداغ کشیده شده بود و جناح جنوبی منطقه عملیاتی را شکل می‌داد. اندیشه کلاسیک فرماندهان عراقی به آنها دیکته کرده بود که تلاش اصلی ایران از سمت شوش و رود کرخه انجام خواهد شد. به همین علت، ارتش عراق در این محور مواضع مستحکمی ایجاد کرده بود. هرچند آرایش نیروهای عراقی در منطقه غرب دزفول و شوش از نظر نظامی به هیچ وجه توجیه‌کردنی نبود، به دلیل اولویت اهداف سیاسی بر نظامی، حفظ منطقه نزدیک به شهرهای دزفول، شوش و اندیمشک و هدف قرار دادن آنها برای فرماندهان نظامی و مسئولان عراقی از اهمیت بسیاری برخوردار بود.

در ۲ فروردین ۱۳۶۱، مرحله نخست عملیات در شمال غربی منطقه عملیاتی برای تصرف تنگه عین‌خوش با رشادت نیروهای تیپ چهارده امام حسین آغاز شد و با موفقیت به پایان رسید. به این ترتیب، یکی از راه‌های ارتباطی نیروهای عراقی با عقبه خود از راه جاده دهلران - اندیمشک قطع شد. مرحله دوم عملیات در ۴ فروردین همان سال، در جنوب غربی منطقه عملیاتی آغاز و با انجام فن تاکتیک نفوذی که تا آن زمان در جنگ‌های جهان سابقه نداشت، انجام شد و ارتباط تنگه رقابیه به منزله دومین معبر ارتباطی نیروهای عراقی با عقبه آنها قطع شد به این ترتیب، نیروهای مسلح ایرانی لشکرهای پیاده مکانیزه و زرهی را در حذافصل میان رود کرخه و ارتفاعات تینه محاصره و بخش

بزرگی از آنها را نیز منهدم کردند.

#### ۴) عملیات بیت‌المقدس

نبرد بیت‌المقدس را می‌توان شاهکار نظامی جنگ ایران و عراق دانست. پس از پایان عملیات فتح‌المبین، برای عراق آشکار شده بود که منطقه خرمشهر و غرب کارون هدف بعدی ایران خواهد بود. از پایان فتح‌المبین تا آغاز بیت‌المقدس تنها یک ماه فاصله بود؛ بنابراین، آماده کردن نیروهای مردمی و غیرحرفه‌ای در این زمان کم از جمله کارهای عجیب سپاه پاسداران بود، اما نکته بارز این عملیات، یعنی دلیل اصلی شکست نیروهای عراقی تاکتیک ویژه این عملیات (عبور از رود کارون) بود که در واقع، موجب شکست قطعی عراق و انهدام کامل نیروهای این کشور در عملیات مزبور شد.

#### سازمان رزم عملیات بیت‌المقدس

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مجموع ۱۹۶ گردان نیرو را برای انجام عملیات بیت‌المقدس آماده کردند که از این تعداد، ۱۳۵ گردان به سپاه و ۶۱ گردان نیز به ارتش متعلق بودند. نسبت نیروهای خودی به نیروهای عراقی نیز دو به یک ارزیابی شد.<sup>۹</sup> البته، باید توجه داشت که نیروهای عراقی از لحاظ تجهیزاتی، امکانات پشتیبانی، نیروی هوایی و توپخانه از نیروهای ایرانی برتر بودند. برتری نیروهای ایرانی تنها به دلیل روحیه ناشی از انقلاب و حس میهن‌پرستی بود.

#### تاکتیک ویژه

به‌طورکلی، برای عملیات بیت‌المقدس دو راهکار پیشنهاد شد و در جلسات مشترک ارتش و سپاه، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. آیین دو راهکار عبارت بودند از:

۱) تهاجم به دشمن با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر این پیشنهاد که فرماندهان ارتش آن را بر اساس اندیشه سنتی نظامی ارائه دادند محاسن و معایبی داشت. استفاده از شبکه‌های جاده‌ای موجود در منطقه و تأمین منطقه عملیاتی با استفاده از این شبکه‌ها از جمله محاسن این راهکار بود. معایب آن نیز عبارت بودند از: انطباق کامل این راهکار با تلقی کلاسیک دشمن از سمت حمله و هجوم نیروهای ما از شمال به جنوب با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر. چیزی که بیش از پیش این باور را در عراقی‌ها

ایشان در مانور عملیات به نقطه ثقل دشمن توجه کردند و قلب منطقه را نشانه گرفتند. با این تدبیر، سه نقطه حساس دشمن (نشوه، بصره و خرمشهر) را به خطر انداختیم. حتی نیروهایی که در دروازه‌های اهواز بودند را با خطر جدی مواجه کردیم ... ایستگاه حسینیه قلب منطقه بیت المقدس محسوب می‌شد. در واقع، اگر این تدبیر، مانور و عبور از رودخانه را از عملیات بیت المقدس بگیریم چیز دیگری باقی نخواهد ماند و بطور قطع موفق نخواهد شد»<sup>۳۳</sup>

### نتیجه‌گیری

۱) شکست عراق در چهار عملیات بزرگ مقطع آزادسازی مناطق اشغالی نتیجه دو عامل عمده بود، یکی انتخاب آموزه جنگ انقلابی - مردمی و دومی آرایش ناقص نیروهای عراقی در خوزستان که به پدیده آمدن خطوط پدافندی آسیب‌پذیر منجر شده بود.

۲) تغییر در رویکرد نظامی ایران پس از حذف بنی‌صدر نتایج چندی از جمله مردمی شدن جنگ، هماهنگی میان ارتش، سپاه و ادغام نیروها، افزایش خلاقیت و نوآوری در عملیات جنگی را در پی داشت که از میل بالای مشارکت در امور سیاسی و نظامی که خود، نتیجه مستقیم انقلاب بود، ناشی می‌شد.

۳) خطوط پدافندی عراق در خوزستان بیشتر حاصل تفکر سیاسی بود تا نظامی. در نتیجه، ناقص و نفوذپذیر بودند و به هیچ وجه با اهداف نظامی عراق هماهنگی نداشتند؛ بنابراین، به مجرد تغییر آموزه نظامی ایران، مواضع عراق در مناطق اشغالی به سرعت فرو ریخت.

تقویت کرد، انجام عملیات نصر در دی ماه ۱۳۵۹ در این منطقه بود. از سوی دیگر استحکامات دشمن در راستای مقابله با تک شمالی - جنوبی نیروهای ایرانی طراحی و ساخته شده بود، بنابراین هرگونه حمله از این سمت با تلفات سنگین و صرف وقت و ضایعات فراوان همراه بود.

### ۲) عبور از رودخانه کارون

این راهکار را سپاه پاسداران ارائه داد. پیچیدگی‌های مربوط به عملیات عبور از رودخانه کارون و نصب پل از جمله معایب آن بود. هم‌چنین، ضرورت سرپل‌گیری و توسعه سرپل به طور هم‌زمان نیز دشواری‌های عبور از رودخانه کارون را افزایش می‌داد. کاهش فاصله تا دستیابی به اهداف در عمق مواضع دشمن و ضعف خطوط پدافندی عراق در این منطقه از جمله محاسن پیشنهاد دوم به‌شمار می‌رفت. پیشنهاد نخست دقیقاً بر اساس تفکر سنتی و اصول کلاسیک جنگ طراحی شده بود. سرلشگر محسن رضایی در این زمینه می‌گوید: «متخصصین آموزش دیده مجرب و متخصصین نظامی به اتفاق می‌گفتند از رودخانه کارون نمی‌توان عبور کرد و باید تلاش اصلی از روی جاده اهواز - خرمشهر باشد»<sup>۳۴</sup>

طبعاً راهکار نخست با تحلیل دشمن از جهت اصلی تلاش نیروهای ایران انطباق بیشتری داشت، طرح پیشنهادی طراحان نظامی سپاه با ویژگی عبور از رودخانه کارون علی‌رغم معایبش، به دلیل آن‌که مبتنی بر خلاقیت و نوآوری نیروهای انقلابی و مردمی طراحی شده بود و با اندیشه سنتی عراق نیز فاصله بسیار داشت، ضریب غافلگیری دشمن را از نظر تاکتیکی به شدت افزایش می‌داد. نیروهای جمهوری اسلامی با عبور از رودخانه در واقع برخلاف جهت آرایش اصلی مواضع پدافندی عراق به زمین منطقه عملیات وارد شدند و از کنار به دشمن حمله کردند. این اقدام روحیه نیروهای عراقی را به شدت تضعیف کرد. درباره اهمیت تاکتیک ویژه عبور از رودخانه سردار غلامعلی رشید چنین می‌گوید: «... در بررسی‌های انجام شده، ویژگی عملیات بیت المقدس مانور و عبور از رودخانه شناخته شد ... این ویژگی حاصل خلاقیت فرماندهی است؛ زیرا، این عامل است که سبب می‌شود باوجود راهکارهای دیگر، تدبیر فرماندهی سپاه عبور از رودخانه را در نظر بگیرد و بر آن تاکید کند ... به همین دلیل، نحوه مانور و عبور از رودخانه یک ابتکار عمل محسوب می‌شد که درحقیقت حاصل تفکر سردار رضایی بود.



۴) اولویت بندی عملیات های آزادسازی مناطق اشغالی منطبق با واقعیت های میدان نبرد طراحی و اجرا شد، به گونه ای که از کوچک ترین منطقه اشغالی و آسیب پذیرترین آن در شرق کارون آغاز و به مشکل ترینش در بیت المقدس ختم شد.

۵) اولویت های انجام عملیات ها به گونه ای تنظیم شده بود که هریک مقدمه عملیات بعدی بود و با انجام هریک از آنها از میزان خطوط پدافندی کاسته می شد و نیروهای آزاد شده در عملیات بعدی به کار گرفته می شدند.

۶) تاکتیک های ویژه به کار رفته در عملیات های آزادسازی، همگی عراق را از نظر تاکتیکی غافلگیر کرد. عملیات دورانی در ثامن الائمه، استفاده از زمین های رملی در طریق القدس، انجام مانورهای احاطه ای و فن تاکتیک نفوذی در فتح المبین و سرانجام حمله به قلب مواضع عراق در عملیات بیت المقدس با عبور از رود کارون همگی زائیده روح خلاق و نوآور ناشی از به کارگیری آموزه جنگ انقلابی - مردمی بود.

### ♦ یادداشت ها

۱. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ اطلس جنگ ایران و عراق؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹، ص ۴۴.

۲. همان.

۳. محمد جوادی پور، علی نیکفرد و سید یعقوب حسینی؛ «نبردهای غرب دزفول» هشت سال دفاع مقدس؛ ج ۱، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳، صص ۱۳۵ - ۱۳۹.

۴. محمد جوادی پور و سید یعقوب حسینی؛ «نبردهای آبادان»، هشت سال دفاع مقدس؛ تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی جمهوری اسلامی ایران، صص ۱۵۶ - ۱۵۹.

۵. مسعود بختیاری و محمدحسن لطفی؛ «نبردهای غرب اهواز، جلد دوم»، هشت سال دفاع مقدس؛ تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی جمهوری اسلامی ایران، صص ۱۱۰ - ۱۳۷.

۶. غلامعلی رشید؛ «نگاهی اجمالی به نحوه شکل گیری و نتایج عملیاتی استراتژی آزادسازی»، ماهنامه نگاه سال دوم؛ شماره ۱۵-۱۶ ویژه جنگ ایران و عراق، شهریور و مهر ۱۳۸۰، ص ۱۱.

۷. همان.

۸. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ پیشین، ص ۴۴.

۹. مجید مختاری و محسن رشید؛ «استراتژی نظامی ایران و عراق در آستانه عملیات ثامن الائمه»، ماهنامه نگاه؛ شماره ۱۵ - ۱۶ ویژه جنگ ایران و عراق، شهریور و مهر ۱۳۸۰، ص ۴۳.

۱۰. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ پیشین، ص ۲۲، این یگان ها عبارت بودند از: لشکرهای ۳، ۹ و ۱۰ زرهی و لشکر ۵ پیاده مکانیزه.

۱۱. جواد زمان زاد؛ «عوامل موثر بر استراتژی عراق در آغاز جنگ» ماهنامه نگاه؛ شماره ۱۵-۱۶ ویژه جنگ ایران و عراق، شهریور و مهر ۱۳۸۰، ص ۴۱.

۱۲. همان.

۱۳. جواد زمان زاد؛ پیشین، ص ۴۱.

۱۴. محمد جوادی پور و سید یعقوب حسینی؛ پیشین، ص ۲۵۸.

۱۵. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ پیشین، ص ۴۶.

۱۶. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ گذری بر دو سال جنگ؛ انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، صص ۹۱-۹۲.

۱۷. سید یعقوب حسینی، مسعود بختیاری و محمدحسن لطفی؛ «ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس» هشت سال دفاع مقدس؛ ج ۲، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳، صص ۱۸۷-۲۰۱.

۱۸. همان، صفحه ۲۰۱.

۱۹. مسعود بختیاری، نصرت الله معین وزیری و مجدحسن لطفی؛ «ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس» هشت سال دفاع مقدس؛ ج ۲، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ص ۴۹. در اطلس جنگ ایران و عراق نسبت نیروهای ایران به عراق ۱۵۰ به ۲۰۰ هزار نفر ذکر شده است.

۲۰. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ از خونین شهر تا خرمشهر؛ انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳ صص ۱۱۲-۱۱۳.

۲۱. همان، صفحه ۱۱۴.

۲۲. غلامعلی رشید؛ پیشین، صفحه ۱۴.

## عوامل و دلایل گسترش جنگ ایران و عراق

محمود یزدان فام

شماره ۱ - تابستان ۸۱

به همان شکل باقی ماند، اما حوزه اقدامات عراق در عرصه نبردهای دریایی و حملات هوایی به این صورت نبود و با تحولات بسیاری همراه بود. گستره جغرافیایی حملات هوایی در دریا و خشکی افزایش یافت و ارتش عراق از سلاح‌های متنوع‌تر و پیچیده‌تری استفاده کرد و پای کشورهای دیگر منطقه از جمله عربستان و کویت، دو ابرقدرت وقت (امریکا و شوروی) و هم‌چنین قدرت‌های بزرگ اروپا را به وسط کشاند و آنها را درگیر جنگی کرد که با تصور پایان پیروزمندانه آن در طول سه روز، آغاز کرده بود. در سال پایانی جنگ، جمهوری اسلامی ایران نه تنها با ارتش عراق، بلکه با امریکا و متحدان جهانی و منطقه‌ای آن در خلیج فارس هم درگیر بود و دامنه جنگ از مرزهای مشترک ایران و عراق به آب‌های خلیج فارس و دریای عمان نیز کشیده شده بود. در این جنگ، عراق افزون بر سلاح‌های متعارف از سلاح‌های غیر متعارف نیز استفاده کرد و بجز مناطق جنگی، مناطق مسکونی و مراکز اقتصادی دو کشور تقریباً در تمام قلمروی آنها هدف حملات هوایی و موشکی قرار گرفت.

در این نوشته، ضمن تشریح زمینه‌ها و عوامل گسترش جنگ ایران و عراق، تلاش می‌کنیم با نگاه به تحولات عرصه جنگ، موقعیت ژئوپلیتیک و اهداف عراق، دلایل و چگونگی آن را تبیین نماییم. هم‌چنین، امیدواریم درس‌های لازم را از بررسی این موضوع بگیریم و از آنها در سیاست‌گذاری‌های امنیتی و اتخاذ تصمیمات نظامی

در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹، جنگ ایران و عراق با هجوم سراسری ارتش عراق به استان‌های غربی ایران و حملات هوایی گسترده این کشور به مراکز مهم نظامی، سیاسی و اقتصادی ایران آغاز شد و تا برقراری آتش‌بس مؤثر در ۲۹ مرداد ماه ۱۳۶۷ ادامه یافت. در طول هشت سال جنگ، دو طرف درگیر با توجه به این اصل روابط بین‌الملل که اتحاد و ائتلاف‌یکی از منابع قدرت است کوشیدند تا با جلب حمایت کشورهای دیگر بر توان خود بیفزایند و از افزایش قدرت کشور مقابل جلوگیری کنند. تخریب روابط و مناسبات کشورها با طرف دیگر جنگ بعد دیگری از این تلاش بود. از آن‌جا که جنگ به عنوان یک پدیده بین‌المللی بیشتر از قاعده حاصل جمع جبری صفر پیروی می‌کند و منافع دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، موضعگیری و اقدام کشورها، به‌ویژه کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ جهانی در قبال آن نیز اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. در عمل، واکنش کشورهای منطقه و قدرتمند جهان به جنگ ایران و عراق و مقدم بر آن به انقلاب اسلامی بر سه گونه بود: حمایت از عراق، حمایت از ایران و اعلان بی‌طرفی. در طول هشت سال جنگ، حمایت‌ها و بی‌طرفی‌ها در حالت سکون نبود و پویایی آنها افزون بر تحولات خود آن کشور و نظام بین‌الملل به تحولات صحنه جنگ و روابط با دو طرف درگیر بستگی داشت.

به لحاظ دامنه جنگ گستره حملات زمینی عراق، استان‌های مرزی ایران بود که حدوداً از آغاز تا پایان جنگ،

استفاده کنیم. در این جا، برای آن که زمینه‌ها و عوامل گسترش جنگ را بشناسیم بعد از اشاره به معنا و مفهوم گسترش، موقعیت ژئوپلیتیک عراق را به منزله عامل گرایش این کشور به گسترش جنگ ارزیابی خواهیم کرد. واکنش جمهوری اسلامی ایران به عنوان طرف مقابل آن می‌تواند در خنثی کردن چنین سیاستی یا رسیدن به مقصد مورد نظر موثر باشد و دلایل آن را تا حدی روشن کند. هم چنین، صحنه جنگ نیز در سطوح مختلف، می‌تواند در تبیین عوامل نزدیک، آگاهی بخش باشد.

زمینه‌ها و دلایل گسترش جنگ را می‌توان از سه دیدگاه متفاوت، اما پیوسته بررسی کرد. دیدگاه نخست، به بنیان‌ها و رویکردهای قدرتی ایران و عراق توجه دارد و سعی می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که زیر ساخت‌های قدرتی در عراق و ایران چه تأثیری در انتخاب رویکرد توسعه طلبانه و گسترش جویانه عراق داشته است. دیدگاه دوم، نگاه غایت‌نگرانه‌ای است که انگیزه‌ها و مقاصد عراق

### تصمیم عراق برای تبدیل جنگ ایران و عراق به جنگ شیعه و سنی و عرب و عجم نمونه‌ای از تلاش این کشور برای گسترش مفهومی جنگ بود

را از اتخاذ چنین رویکردی بررسی می‌کند و سرانجام، دیدگاه سوم بر گسترش جنگ، تحولات صحنه‌های نبرد و ابعاد سیاسی بین‌المللی آن متمرکز است. فرض بر این است که در پدیده‌ای مانند جنگ جدا از زیر ساخت‌ها، اهداف و مقاصد، خود تحولات در تصمیم‌گیری و رویکرد طرف‌های جنگ یا حداقل در زمان و چگونگی عملی شدن آن مؤثر است.

#### معنا و مفهوم گسترش

جنگ‌ها به شکل افقی و عمودی گسترش می‌یابند. گسترش افقی جنگ‌ها به دامنه جغرافیایی اقدام نظامی و گسترش عمودی به درجه و شدت جنگ اشاره می‌کند. احتمال دارد گسترش افقی جنگ در درون دو کشور درگیر باشد یا این که از قلمروی دو کشور متخاصم خارج شود و قلمروی دیگر کشورها را نیز دربرگیرد که در این صورت، گفته می‌شود جنگ بین‌المللی شده است. در گسترش عمودی جنگ، میزان و شدت جنگ مدنظر است و برای ارزیابی آن به شاخص‌هایی چون اهداف حملات،

جنگ افزارهای مورد استفاده، میزان و شدت حملات توجه می‌شود. حال این پرسش مطرح است که آیا جنگ به میدان‌های نبرد محدود است یا اهداف غیرنظامی صنعتی و جمعیتی هم هدف حمله قرار می‌گیرند؟ از چه نوع سلاح‌هایی در جنگ استفاده می‌شود؟ در صورت سلاح‌های متعاقب به کار برده می‌شود یا در صورت دستیابی به سلاح‌های غیرمتعارف مانند شیمیایی و میکروبی از آنها نیز استفاده می‌شود؟ استفاده از این سلاح‌ها به میدان‌های نبرد و نیروهای نظامی محدود است یا علیه افراد غیرنظامی هم به کار برده می‌شود؟ پاسخ به این پرسش‌ها و بررسی شاخص‌های مزبور می‌تواند افزایش شدت جنگ را نشان دهد. برای بیان افزایش شدت جنگ از واژه تصاعد\* استفاده می‌شود که به یک روند تدریجی فزاینده تعاملی در جنگ اشاره می‌کند و برای بیان هر دو مفهوم از واژه گسترش استفاده می‌شود که معادل واژه انگلیسی expand است.

پیش از پایان این بحث، لازم است به گسترش مفهومی از جنگ نیز اشاره شود؛ موردی که به نظر می‌رسد در جنگ ایران و عراق، نمودهای آشکاری داشت و با جنگ‌های مدرن که نه صرفاً بر سر آب، خاک، بلکه با قدرت و عقیده همراه هستند، ارتباط تنگاتنگ دارد. جنگ‌های مدرن اراده‌ها و عقیده‌ها را نیز در بر می‌گیرد. جنگ‌های روانی - تبلیغاتی با بیان مفاهیم می‌تواند اراده تصمیم‌گیرندگان، افکار عمومی و جنگجویان کشور مقابل و کشورهای مؤثر دیگر را هدف قرار دهد، عقیده و مبانی تصمیم‌گیری دیگران را در نظر می‌گیرد و در صدد برمی‌آید آن را به نفع خود تغییر دهد. مفاهیمی که در این عرصه از جنگ رواج دارند در فرآیند زمان و با توجه به تحولات عرصه‌های دیگر جنگ دگرگون می‌شوند. تصمیم عراق برای تبدیل جنگ ایران و عراق به جنگ شیعه و سنی و عرب و عجم نمونه‌ای از تلاش این کشور برای گسترش مفهومی جنگ بود. در عصر ظهور رسانه‌های الکترونیکی، گسترش مفهومی جنگ بسیار مؤثر و درخور توجه است که در صفحات بعد، به آن خواهیم پرداخت.

تمرکز اصلی تحقیق از نظر مفهومی بر گسترش جنگ به معنای بین‌المللی شدن آن است. بررسی معنا و مفاهیم دیگر گسترش برای درک بهتر مسائل ضروری است. در آغاز، باید برای یافتن عوامل مؤثر در گسترش جنگ بنیان‌ها و رویکرد قدرتی عراق بررسی شود. در سیاست

\* Escalation



و عراق در آغاز جنگ نتایج زیر به دست می‌آید:<sup>۲</sup>  
الف) جمعیت ایران حدوداً سه برابر جمعیت عراق است. در نگاه نخست، زمینه جذب و سازماندهی مردم در قالب نیروهای مسلح، برای ایران نسبت به عراق سه به یک است. ویژگی‌های کیفیتی جمعیت ایران نیز در مرتبه بالاتری از عراق قرار دارد.

ب) هر دو کشور از جمله کشورهای جهان سوم هستند که در راه توسعه، قدم گذاشته‌اند. منبع اصلی درآمد آنها صدور نفت است. میزان سهمیه اپک برای ایران تقریباً دو برابر میزان سهمیه عراق است. زیرساخت‌های اقتصادی ایران در مقایسه با عراق در وضعیت مناسب‌تری می‌باشد.

### در پدیده‌ای مانند جنگ جدا از زیر ساخت‌ها، اهداف و مقاصد، خود تحولات نیز در تصمیم‌گیری و رویکرد طرف‌های درگیر در جنگ یا حداقل در زمان و چگونگی عملی شدن آن مؤثر است

ج) در آن زمان، از نظر سیاسی، ایران در وضعیت بی‌ثبات‌تری قرار داشت. انقلاب اسلامی به پیروزی رسیده بود، اما درگیری‌ها و بحران‌های داخلی هم‌چنان جریان داشت. از نظر نظام سیاسی تفاوت اصلی دو کشور را می‌توان در پایگاه مردمی آنها جست و جو کرد. جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم این که هم‌چنان شاهد پس‌لرزه‌های انقلاب و چالش‌های درونی بود، در اراده و خواست مردم ریشه داشت و برخلاف حکومت‌های منطقه، با اراده مردم تأسیس و برپا شده بود. در عراق، صدام عملاً با حاکم کردن یک حکومت خانوادگی، حکومت را در دست داشت.

د) موقعیت ژئوپلیتیک دو کشور نیز بسیار متفاوت است. با این که هر دو به خلیج فارس دسترسی دارند، اما دسترسی عراق بر خلاف ایران فقط به باریکه کوچکی در شمال خلیج فارس از طریق خور عبدالله و اروندرود است. عراق در درون مجموعه کشورهای عرب قرار دارد و در منتهی‌الیه مرزهای شرقی اعراب واقع شده است. هر چند ایدئولوژی حاکم بر عراق سوسیالیسم -بعثی است، اما زبان عربی و علایق قومی این کشور را با دیگر کشورهای عرب منطقه پیوند داده است. ایران در منطقه‌ای واقع شده که می‌توان آن را کشوری با ویژگی‌های منحصر به فرد و تنها نامید. با وجود این که هر دو کشور از کشورهای جهان اسلام هستند، اما این پیوند نتوانست از وقوع جنگ میان

قدرتمندانه، قدرت داور نهایی تعارض منافع و چگونگی رفع و رجوع آن در بین دولت‌هاست. با توجه به موقعیت و مبانی قدرت کشورها، گرایش‌ها و انگیزه‌های زمامداران کشورها در تقویت و به‌کارگیری قدرت متفاوت است. برای ارائه پاسخ مناسب و کارشناسی به این پرسش که چرا عراق درصدد گسترش جنگ به کشورهای دیگر بود؟ باید به بنیان‌های قدرت و رویکرد حکومت به قدرت توجه کنیم و آن را نسبت به ایران که طرف دیگر جنگ بود و قدرت عراق در مقایسه با آن وزن واقعی خود را نشان می‌دهد در نظر بگیریم.

### ۱) بنیان‌ها و رویکرد قدرتی ایران و عراق

در تعیین میزان قدرت هر کشور مولفه‌های متعددی وجود دارد که به‌طور مفصل، در کتاب‌های علوم سیاسی و روابط بین‌المللی، تشریح شده‌اند. برای جلوگیری از طولانی شدن بحث، نظام سیاسی، قدرت اقتصادی، موقعیت ژئوپلیتیکی، موقعیت و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و عراق در آستانه جنگ را به‌طور کوتاه بررسی می‌کنیم. در طول دوره جنگ رویکرد زمامداران عراق به قدرت با رویکرد زمامداران ایران متفاوت بود. نگاه جمهوری اسلامی ایران به جهان از ایدئولوژی و پیامدهای انقلاب اسلامی ساختارشکنانه متأثر بود و وضع موجود نظام بین‌الملل را به چالش می‌طلبید. تلاش برای برقراری روابط با ملت‌ها به جای دولت‌ها، تأکید بر خودکفایی و استقلال در تمام زمینه‌ها و خصومت قدرت‌های بزرگ با انقلاب اسلامی منجر به پیدایش رویکردی درون‌پایه شده بود. این رویکرد، سیاستی انزواگرایانه نبود و با درون‌گرایی نیز تفاوت داشت. در این رویکرد، برای تأمین منافع و اهداف مورد نظر در عرصه بین‌المللی بیشتر بر منابع داخلی تأکید و کم‌تر به فرصت‌های بین‌المللی توجه می‌شد. رویکرد مزبور، به نظام بین‌الملل بدبین بود و فرآیند جذب و گسترش را با بدبینی به کنترل یکسویه از طرف قدرت‌های بزرگ و نابودی استقلال تأویل می‌کرد. در مقابل، عراق با توجه به ضعف‌های ساختاری خود بیشتر رویکردی برون‌گرایانه داشت و سعی می‌کرد با توسعه و گسترش روابط و مناسبات خود با کشورهای دیگر از توان و قدرت آنها استفاده کند و فرصت‌های بیشتری را فراهم آورد. این دو رویکرد متفاوت در عناصر ساختاری قدرت، تحولات و نگرش زمامداران دو کشور ریشه داشت. با بررسی مقایسه‌ای عناصر تشکیل‌دهنده قدرت ایران

آنها جلوگیری کند. ایران با همسایگان خود پیوندهای عمیقی ندارد. ترکیه مانند ایران با ویژگی‌های اختصاصی در منطقه یکه و تنهاست. پاکستان هم که ادامه شبه قاره هند است. تنها شوروی باقی می‌ماند که در آن زمان، از نظر نژادی، فرهنگی و زبانی با ایران متفاوت بود.

### مبانی قدرت و موقعیت بین‌المللی

مبانی و زیرساخت‌های متفاوت قدرت بین ایران و عراق همراه با رهبران و ایدئولوژی متفاوت حاکم بر آنها دو رویکرد متفاوت را نسبت به نظام بین‌الملل و روابط با کشورهای دیگر پدید آورد. زمامداران عراق به‌خوبی می‌دانستند که نمی‌توان با اتکا به چنین زیرساخت‌ها و قدرت برخاسته از آنها به اهداف مورد نظر دست یافت. با محاسبات بسیار ساده برتری و تفوق قدرت ایران آشکار می‌شد. زمامداران عراق به دلیل مزیت نسبی منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده از عناصر بین‌المللی قدرت را تنها راه خروج از این بن‌بست ارزیابی کردند. آنها عضو جامعه عرب بودند و می‌توانستند از توان و قدرت آنها برای رسیدن به اهداف مورد نظر بهره بگیرند. بعد از پیروزی انقلاب، زمامداران عراق بیش از آن که بر موارد اختلافی ایران و عراق تکیه کنند، موارد کلی‌تر را مطرح کردند و از زبان جهان عرب سخن گفتند. اطلاعیه‌ها و سخنان مقامات عراق درباره باز پس دادن جزایر سه‌گانه خلیج فارس به اعراب نمونه‌ای از این رویکرد بود. روزنامه‌الثوره، ارگان حزب بعث عراق، سه ماه قبل از آغاز جنگ، نوشت: «ایران باید برای نشان دادن حسن نیت خود در قبال اعراب، سه جزیره تنب بزرگ، کوچک و ابوموسی را به اعراب بازگرداند»<sup>۲</sup>. تلاش برای تشکیل کشور جدید متحده عراق - سوریه بر اساس ایدئولوژی حزب بعث و محوریت قوم عرب، جهت‌گیری و موقعیت‌های ساختاری عراق را در سطح منطقه‌ای نشان می‌داد. این کشور افزون بر کشورهای عرب منطقه با بلوک شرق و قدرت‌های بزرگ اروپا، به‌ویژه فرانسه روابط و مناسبات بسیار نزدیکی داشت. روابط کم‌رنگ عراق با امریکا نیز در سایه تحولات و پیامدهای انقلاب اسلامی ایران رو به بهبود گذاشت و با دیدار مقامات عالی‌رتبه امریکایی از بغداد به مرحله جدیدی وارد شد و هر روز در راستای همکاری بیشتر بین دو کشور گام‌های بلندتری برداشته شد. به این ترتیب، در نظام دو قطبی که رقابت دو بلوک برای نفوذ در مناطق مختلف از قواعد جوهری آن محسوب می‌شد،

عراق نه تنها با نظام بین‌الملل هیچ‌گونه تعارضی نداشت، بلکه به دلیل تحولات جدید منطقه، روابط و مناسبات بسیار نزدیکی را با هر دو ابرقدرت و هر دو بلوک طرفدار آنها برقرار کرد و از فرصت‌های به‌دست آمده برای افزایش توان نظامی و قدرت ملی خود بهره‌های فراوانی برد. در این دوره، به دلیل اوضاع نابسامان موجود در داخل ایران، این تصور در عراق پدید آمده بود که می‌تواند با حمایت‌های غیر مستقیم قدرت‌های بزرگ و حامیان منطقه‌ای خود به اهداف مورد نظر دست یابد.

با موفقیت‌های ایران در جبهه‌های جنگ، موازنه قدرت به زیان عراق تغییر کرد و پس از آزادسازی سرزمین‌های اشغالی، ایران استراتژی تنبیه متجاوز را در پیش گرفت. نیروهای مسلح ایران تعقیب عراق را در داخل خاک این کشور در برنامه کاری خود قرار دادند. در این هنگام، شک و تردید در قدرت نظامی عراق برای مقابله با جمهوری اسلامی آغاز شد. با پیروزی‌های بعدی، به‌ویژه فتح فاو و شکستن دیوار دفاعی عراق در شرق بصره نگرانی‌های عراق به شدت افزایش یافت. چاره‌اندیشی این کشور برای کسب توان و تغییر روند موجود، استفاده همه جانبه از موقعیت بین‌المللی خود بود. برخلاف مواضع همسو و سازگار عراق با نظام بین‌المللی و منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران در وضعیت متعارضی با نظام بین‌المللی قرار داشت. انقلاب اسلامی با شعار نه شرقی، نه غربی درصدد ارائه، راه حل‌ها، ارزش‌ها و روش‌های اسلامی در برابر لیبرالیسم غرب و کمونیست شرق بود. راه سومی که با وضع موجود نظام بین‌الملل در تعارض و تضاد قرار داشت و نظام‌های سیاسی موجود در منطقه را به چالش می‌طلیید. رویکرد جمهوری اسلامی ایران به نظام بین‌الملل با توان واقعی آن سازگار نبود. کوشش فراوان برای اتحاد اسلامی، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، تلاش برای برقراری روابط با ملت‌ها به جای دولت‌ها، اعلام صدور انقلاب اسلامی، دور شدن از دولت‌های محافظه کار منطقه<sup>۳</sup> وضعیت را پدید آورده بود که در سیاست خارجی از آن با نام نابرابری تعهد و توان یاد می‌شود، یعنی توان محدود کشور در چرخه تعهدات نامحدود گرفتار می‌شود. هر چند مسئولان بلند پایه نظام اعلان کردند درصدد صدور انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه نیستند، اما برداشت کشورهای منطقه از اوضاع با بیانات مسئولان ایران متفاوت بود و آنها براساس ادراک خود، تصمیم می‌گرفتند و اقدام می‌کردند که با گفتار ایران تفاوت داشت.

## ۲) گسترش جنگ به کشورهای دیگر

در مرحله تعقیب و تنبیه متجاوز، جمهوری اسلامی ایران با اجرای عملیات سرنوشت ساز کوشید تا تصمیم خود را از موضع قدرت عملی کند. آنها در پی فتح چند نقطه استراتژیک و فروپاشی ارتش و رژیم عراق بودند. در پی انجام عملیات والفجرهشت که در ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ آغاز شد، شبه جزیره و بندر نفتی فاو به تصرف ایران درآمد و با قطع راه ارتباطی مستقیم عراق با خلیج فارس، صحنه نبرد به نزدیکی مرزهای کویت کشیده شد. در پی بی نتیجه بودن تلاش همه جانبه عراق برای باز پس گیری فاو، وحشت حامیان عراق افزایش یافت. آنها خود را به طور جدی با تهدید گسترش انقلاب اسلامی روبه رو دیدند. در نتیجه، صفوف خود را فشرده تر کردند، به طوری که عربستان جنگ قیمت ها و عراق جنگ نفت کش ها را برای کاهش و قطع درآمدهای ایران در پیش گرفت. افزایش عرضه نفت کشورهای عربی، به ویژه عربستان، سقوط بی سابقه قیمت نفت را موجب شد. به طوری که در سال ۱۳۶۵، درآمد ایران به کم تر از شش میلیارد دلار رسید. این امر در دراز مدت، کاهش فراوان در آمد دولت را موجب شد و تجهیز و تدارک جنگ را با مشکل روبه رو کرد.<sup>۶</sup>

در این زمان، نیروهای عراق که به نحو چشمگیری مسلح و مجهز شده و از نظر سازمان رزم نیز، توسعه در خور توجهی یافته بودند، دو طرح متفاوت را در دستور کار خود قرار دادند. نخست، در قالب استراتژی جنگ فرسایشی، در صدد برآمدن با انتخاب استراتژی دفاع متحرک و استفاده از توان نظامی از انفعال خارج شوند و نظامیان خود را با جبران بخشی از شکست نظامی - سیاسی در فاو از نظر روحی - روانی تقویت کنند،<sup>۷</sup> اما در عمل، موفقیت چندانی به دست نیاوردند و زمامداران عراق با آغاز عملیات کربلای ۵ در شرق بصره و شکسته شدن دیوار دفاعی مستحکم آنها دریافتند که توانایی لازم را برای مقابله با رزمندگان اسلام در جبهه زمینی ندارند؛ بنابراین، طرح دوم را با هدف جلب توجه کشورهای دیگر به خطرات جنگ، به ویژه جریان نفت در خلیج فارس و تضعیف توان مالی و پایگاه اجتماعی ایران با حمله به منابع نفتی، اقتصادی و مسکونی برگزیدند. این حملات که مکمل خوبی برای اقدام عربستان بود در طول سال ۱۳۶۶، نخست بر روی مناطق مسکونی تمرکز داشت<sup>۸</sup> و سپس، با تمرکز بر مراکز نفتی و نفت کش ها در خلیج فارس ادامه

یافت. شمار حملات عراق به کشتی ها در خلیج فارس از ۳۷ حمله در سال ۱۳۶۴ به ۷۱ و ۹۶ حمله به ترتیب در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ افزایش یافت.<sup>۹</sup>

در این سال، حمله به کشتی ها تحول و گسترش دیگری را نیز شاهد بود. تا سال ۱۳۶۳، حملات عراق به جزیره خارک و بوشهر محدود بود. عراق تنها می توانست موشک های ضدکشتی را با بالگردهای سوپر فرلون\* با حداکثر شعاع عملیاتی کم تر از دویست مایل شلیک کند. در آبان ۱۳۶۲، عراق به پنج فروند هواپیمای سوپراتاندارد\*\* با شعاع عملیاتی بیش از دویست مایل دست یافت، اما نتوانست مشکل برد و مسافت را حل کند. با افزایش برد موشک های ام - ۱ در سال ۱۳۶۴، عراق توانست شعاع عملیاتی خود را تا سیصد مایل افزایش دهد. این کشور به طور مداوم از موشک های آگروسه استفاده می کرد، ولی این موشک ها آن قدر سنگین نبودند که به راحتی، نفت کش ها را نابود کنند.<sup>۱۰</sup> هم چنین، ایران ناوگانی مرکب از نفت کش های بزرگ را برای ذخیره نفت در حوالی لارک مستقر کرده بود تا در صورت قطع صدور نفت از طریق خارک، برای حدود هفت روز ذخیره داشته باشد. هم چنین در صدد بود تا پایانه های جدیدی در بنادر جاسک، لنگه و جزیره قشم راه اندازی کند. در هر حال عراق پس از شکست استراتژی طرح دفاع متحرک باردیگر به نیروی هوایی متوسل شد. بعد از توقف سه ماهه از اواخر تیر ۱۳۶۵، موج جدید حملات با دامنه گسترده و شدت بیشتر آغاز شد. عراق دامنه حملات خود را با دریافت سلاح های پیشرفته در خلیج فارس افزایش داد و در ۲۱ مرداد ماه ۱۳۶۵، برای نخستین بار جنگنده های عراقی به تأسیسات نفتی ایران در جزیره سیری حمله کردند و سه نفت کش در حال بارگیری را در ترمینال هدف قرار دادند. برخی از منابع معتقدند، در این حمله، عراق از کشورهای دیگر منطقه کمک گرفته است. این کشور برای حمله هوایی به سیری از چهار فروند میراژ اف ۱ استفاده کرد که برای پرواز نهصد کیلومتری خود از ناصریه این کشور تا سیری به سوخت گیری مجدد نیاز داشتند.<sup>۱۱</sup>

به هر حال، گسترش دامنه حملات هوایی عراق به سیری جمهوری اسلامی ایران را به چاره اندیشی واداشت. در نتیجه، بارگیری نفت را به لارک منتقل کرد. در ۴ آذر ۱۳۶۵، عراق باردیگر شعاع عملیات هوایی خود را در خلیج فارس گسترش داد و به جزیره لارک در تنگه هرمز

\* Super Frelon

\*\* Super Etendards

حمله کرد. جنگنده‌های میراژ اف ۱ که با استفاده از موشک‌های پیشرفته لیزری و با خطای کم‌تر به لارک حمله کرده بودند به دلیل طولانی بودن مسافت با کمبود سوخت در مسیر برگشت روبه‌رو شدند و در عربستان سعودی فرود آمدند.<sup>۱۳</sup> این کشور بدون توجه به اصول مربوط به بی‌طرفی در جنگ که نگهداری از هوایمی دو طرف مخاصمه را تا پایان جنگ الزامی می‌داند، سوخت لازم را در اختیار این جنگنده‌ها قرار داد و آنها را به عراق فرستاد. به این ترتیب، عراق توانست آخرین نقطه خلیج فارس را به کمک هوایمی و موشک‌های پیشرفته فرانسوی و با کمک نظامی مستقیم عربستان هدف حملات هوایی خود قرار دهد. هم‌چنین، نشان داد که هم‌چنان با استفاده از مزیت منطقه‌ای و بین‌المللی خود در دسترسی به پیشرفته‌ترین جنگ افزارهای شرق و غرب درصدد قطع درآمدهای نفتی ایران و در نتیجه، تضعیف توان نظامی ایران است.

#### به خطر افتادن جریان نفت

رژیم صدام با آگاهی از موقعیت و مناسبات بین‌المللی عراق تلاش کرد صدور نفت به جهان غرب را از راه جنگ نفت کش‌ها، با خطر روبه‌رو کند و با افزایش تنش در روابط کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران اوضاع را بیش از پیش بحرانی نماید و از این راه آنها را رو در روی هم قرار دهد. دعوت کویت از ابرقدرت‌ها برای اسکورت نفتکش‌های کویتی زمینه را برای حضور نظامی گسترده آمریکا و متحدان غربی‌اش فراهم آورد. از نگاه

مخدوش شده خود در ماجرای رسوایی مک فارلین در میان کشورهای عرب جنوب خلیج فارس، جلوگیری از سقوط صدام و پیروزی انقلاب اسلامی، حمایت از جریان نفت در منطقه و جلوگیری از نفوذ شوروی در حوزه خلیج فارس، به درخواست کویت پاسخ مثبت داد<sup>۱۴</sup> و بیش از پیش، در کنار عراق قرار گرفت؛ بنابراین، بر تعداد کشتی‌های جنگی آمریکا که بر اساس دکترین کارتر و در قالب نیروی ویژه واکنش سریع در منطقه حضور داشتند، افزوده شد. حمله هوایی عراق به ناوچه آمریکایی استارک در بهار ۱۳۶۶ که در اثر آن ۳۷ تن از ملوانان آمریکایی کشته شدند، مهم‌ترین واقعه‌ای بود که به استراتژی عراق برای بین‌المللی کردن جنگ کمک کرد. حمله به استارک\* سومین تحول خلیج فارس در آغاز سال ۱۳۶۶ بود. ورود کشتی‌های جنگی ابرقدرت‌ها به خلیج فارس با دعوت کویت آغاز شد و متحدان منطقه‌ای عراق تلاش کردند از این راه، به طور عملی و مستقیم ایران را با قدرت‌های بزرگ درگیر کنند. نخستین بار، ایران و شوروی رو در روی هم قرار گرفتند. کشتی روسی ایوان کورتیف\*\* هدف حمله قایق‌های تندرو قرار گرفت و تعجب و نگرانی جهانیان را برانگیخت. یک فروند نفت کش روسی که در اجاره کویت قرار داشت و در چارچوب برنامه عملیات اسکورت نفت کش‌ها حرکت می‌کرد، در ۳۵ مایلی کویت، با مین برخورد نمود و سوراخ بزرگی در بدنه آن پدید آمد، اما واقعه مهم به دست عراقی‌ها به وقوع پیوست. آنها با حمله به ناوچه آمریکایی استارک تقابل ایران و شوروی را به رویارویی ایران و آمریکا تبدیل کردند. با کشته شدن ۳۷ آمریکایی به ناگهان مداخله

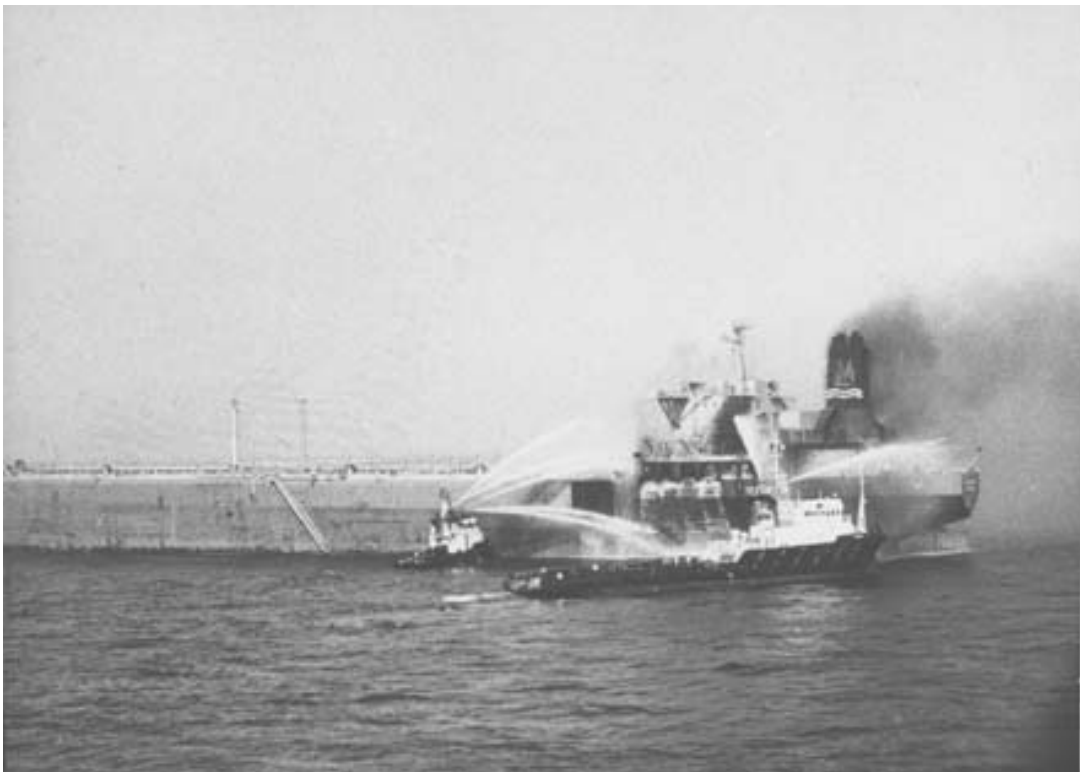
### عراق با توجه به ضعف‌های ساختاری خود بیشتر رویکردی برون‌گرایانه داشت و سعی می‌کرد با توسعه و گسترش روابط و مناسبات خود با کشورهای دیگر از توان و قدرت آنها استفاده کند و فرصت‌های بیشتری را فراهم آورد

محدود نظامی - سیاسی آمریکا در خلیج فارس به افکار عمومی کشانده شد و بحث‌های گسترده‌ای را میان گنجره و دولت درباره قانون اختیارات رئیس‌جمهور در زمان جنگ مطرح کرد. روند بررسی اسکورت نفت کش‌های کویتی در خلیج فارس، علی‌رغم تشدید منازعه قدرت بین دولت و گنجره سرعت یافت و عملیات اسکورت از اوک مرداد ۱۳۶۶ آغاز شد.<sup>۱۵</sup> صدام حسین با ارسال نامه‌ای به ریگان ضمن ابراز تأسف از حمله به استارک به طور ضمنی وقوع آن را به ایران نسبت داد و نوشت: «این حادثه

غربی‌ها، جنگ ایران و عراق تا اواخر ۱۳۶۵ یک جنگ محدود و بومی بود؛ زیرا، جز حملات معدودی علیه نفت‌کش‌ها در خلیج فارس تأثیر بسیار اندکی بر سایر دولت‌ها داشت.<sup>۱۶</sup> گسترش حملات هوایی عراق به نفتکش‌ها و اعمال سیاست مقابله به مثل جمهوری اسلامی ایران علیه حامیان منطقه‌ای عراق باعث شد تا کویت در ۲۳ دی ماه ۱۳۶۵ از آمریکا بخواهد یازده فروند نفت کش این کشور را مجدداً پرچم‌گذاری کند و آنها را با کشتی‌های جنگی خود اسکورت نماید. آمریکا با هدف بازسازی اعتبار

\* Stark

\*\* Ivan Korotoyev



کویت، رویارویی و درگیری نظامی ایران و آمریکا را باعث شد و تحولات خلیج فارس و لشکرکشی آمریکا به منطقه نیز به تحریک بیشتر افکار عمومی در ایران انجامید. مسئولان با بیان این که جنگ با آمریکا برای ملت ایران از جنگ با عوامل آن شیرین تر است، تبلیغات گسترده‌ای را برای جذب نیروهای مردمی به راه انداختند. در نتیجه، کاروان مدافعان خلیج فارس با برگزاری مراسم گوناگون از سراسر کشور به جبهه‌های جنگ رهسپار شدند.

در آب‌های خلیج فارس، رویارویی بین ایران و آمریکا روندی تصاعدی داشت. نخستین کاروان نفتکش‌های کویتی تحت اسکورت آمریکا بعد از عبور از آب‌های جزیره فارسی در میدان مین گرفتار شد و نفتکش بریجتون با مین برخورد کرد. در این جریان، آمریکا ایران را مقصر دانست. حدود دو ماه بعد، کشتی ایران اجر به بهانه این که مشغول مین‌گذاری در خلیج فارس است هدف حمله بالگردهای آمریکایی قرار گرفت. درگیری قایق‌های تندروی سپاه با بالگردهای آمریکایی در حوالی جزیره فارسی و شلیک موشک استینگر جلوه آشکارتری از درگیری دو کشور بود. برخورد دو فروند موشک کرم‌ابریشم به دو نفتکش آمریکایی در بندر الاحمدی

حزن‌انگیز باردیگر ضرورت فوری تمرکز تلاش‌ها به خاتمه بخشیدن به جنگ و وادار ساختن رژیم ایران به قبول صلح بر اساس مقررات و قوانین بین‌المللی و قطع‌نامه شورای امنیت ناظر به جلوگیری از خونریزی بیشتر در منطقه را مورد تأکید قرار می‌دهد.<sup>۱</sup> رئیس‌جمهور آمریکا بدون توجه به حمله عراق به استارک ادعا کرد: «مقصر واقعی ماجرا ایران است و آنها از این حادثه خشنود هستند». اقدامات آمریکا آن گونه که صدام در نامه خود تصریح کرده بود در دو جهت تشدید شد. نخست، اعضای دائمی شورای امنیت تلاش‌های خود را برای تصویب قطع‌نامه‌ای که مباحث آن بعد از عملیات کربلای پنج در شرق بصره آغاز شده بود، افزایش دادند. هم‌چنین، اقدامات آمریکا برای تقویت حضور نظامی خود در خلیج فارس بیشتر شد. آمریکا برنامه آغاز اسکورت نفتکش‌های کویتی را اعلام کرد و در اول مرداد ماه ۱۳۶۶، نخستین کاروان از تنگه هرمز به سوی بنادر کویت حرکت نمود.

#### درگیری نظامی ایران و آمریکا

تشدید حملات هوایی عراق در خلیج فارس و افزایش ناوگان نظامی آمریکا در منطقه برای اسکورت نفتکش‌های



کویت در دو روز متوالی مرحله جدیدی از گسترش جنگ به کشورهای دیگر بود. امریکا سکوی نفتی رشادت را هدف حمله قرار داد که با حمله موشکی به پایانه سی ایلند بندر الاحمدی روبه‌رو شد. بعد از آن، برای مدتی نزدیک به شش ماه درگیری نظامی در خور توجهی بین ایران و امریکا رخ نداد. امریکا بیشتر به تجهیز ناوگان خود پرداخت و از متحدان اروپایی خود خواست تا کشتی‌های بیشتری را به منطقه اعزام کنند. دور دوم درگیری ایران و امریکا از ۲۵ فروردین ماه ۱۳۶۷ آغاز شد و با حمله ناو وینسنس به هواپیمای مسافربری ایران به پایان رسید این اقدامات بیانگر تشدید درگیری‌های نظامی بین دو کشور بود و با قرار گرفتن امریکا در کنار عراق، موازنه را به ضرر جمهوری اسلامی ایران تغییر داد.<sup>۱۸</sup>

### اعراب و بین‌المللی شدن جنگ

بعد دیگر استراتژی عراق در بین‌المللی کردن جنگ، گسترش آن به کشورهای عربی بود. عراق امیدوار بود که با گسترش جنگ، کشورهای عرب منطقه را به حضور فعال تر و انجام اقدامات موثرتر برای پایان دادن به آن وادار کند. با وجود این که عراق از همان آغاز جنگ تلاش کرد با طرح موضوعاتی چون پان عربیسم، جنگ سردار قادیسیه، بازگرداندن جزایر سه گانه عربی، دفاع از مرزهای شرقی امت عرب، خود را در پناه اعراب قرار دهد و از امکانات و توانایی‌های آنها بهره‌جوید، ولی مواضع و حمایت کشورهای مترقی عرب منطقه مانند سوریه، لیبی و تا حدی الجزایر و یمن جنوبی از ایران باعث شد تا صدام کاملاً به هدف خود نرسد. البته، حمایت جدی اکثریت اعراب را پشت سر خود داشت و این حمایت‌ها در مواقع حساس جنگ یا گسترش آن به کشورهای دیگر بیشتر می‌شد.

همکاری خلیج فارس در کویت برگزار شد. در جریان این اجلاس، کشورهای مزبور ضمن تأکید بر کمک‌های خود به عراق متعهد شدند بهای خرید تسلیحاتی عراق از کشورهای غربی را نیز پرداخت کنند. بعد از قطع جریان صدور نفت عراق از مسیر سوریه و انهدام سکوهای نفتی البکر و العمیه که تولید نفت عراق را به شدت کاهش داد، بار دیگر وزیران خارجه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در ریاض تشکیل جلسه دادند و تصمیم گرفتند هر یک تولید نفت خود را به میزان پانصد هزار بشکه در روز افزایش دهد تا از این راه، کمبود عدم صدور نفت عراق جبران شود و درآمد حاصل از آن به صورت وام بلاعوض در اختیار صدام قرار گیرد. علی‌رغم خسارات بالای نظامی در طول هشت سال جنگ، کمک‌های مالی اعراب آن قدر گسترده بود که رژیم عراق نه تنها توانست آنها را با خرید گسترده سلاح جایگزین کند، بلکه در پایان جنگ نیز، به چند برابر افزایش دهد. صرف کمک‌های مالی عربستان سعودی در پایان جنگ بیش از هشتاد میلیارد دلار بود. در پی مسدود شدن راه ارتباطی آبی عراق به جهان خارج، اردن و کویت بنادر خود را در اختیار بغداد قرار دادند. در اواخر جنگ، به ویژه در دوره حملات عراق به خطوط کشتیرانی، هواپیماهای عراقی برای حمله به مراکز نفتی ایران در دهانه تنگه هرمز از جزیره بوبیان کویت و پایگاه طهران عربستان استفاده کردند.<sup>۱۹</sup>

فتح فاو در عملیات والفجر هشت به پیدایش وضعیت جدیدی منجر شد که با مشخصه‌های جنگ فرسایشی‌ای که عراق پس از شکست در خرمشهر در پیش گرفته بود و امیدوار بود به پذیرش صلح از سوی ایران منتهی شود، هیچ‌گونه تطابقی نداشت. عراق پس از تلاش‌های گسترده برای بازپس‌گیری فاو و تحمل تلفات سنگین به ناچار

**گسترش جنگ به کشورهای عربی از جمله ابعاد استراتژی عراق در بین‌المللی کردن آن بود. این کشور امیدوار بود که با گسترش جنگ، کشورهای عرب منطقه را به حضور فعال تر و انجام اقدامات موثرتر برای پایان دادن به آن وادار کند**

شکست را پذیرفت. این ناکامی انعکاس نامطلوبی در بین حامیان عراق داشت. شورای همکاری خلیج فارس از روند تحولات ابراز نگرانی کرد و اجلاس وزیران خارجه را برای بررسی موضوع در عمان برگزار نمود. در این اجلاس، تصرف فاو از سوی ایران با قوانین بین‌المللی و اصول حسن همجواری مغایر قلمداد شد. آنها برای مقابله با

پس از بازپس‌گیری خرمشهر و محرز شدن برتری قوای جمهوری اسلامی ایران، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس حملات تبلیغاتی خود را علیه این کشور تشدید کردند و کمک‌های مادی و حمایت‌های سیاسی خود را از عراق افزایش دادند. در ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱، اجلاس وزیران خارجه کشورهای عضو شورای

تأثیرات ناشی از تحولات سیاسی - نظامی در جنگ ایران و عراق خواستار تشکیل نیروهای سپر جزیره شدند. هم چنین، مقرر گردید که شورای همکاری خلیج فارس طی تماس با کشورهای عرب و سایر کشورها، برای خنثی کردن موقعیت برتر ایران که در اثر فتح فاو به دست آمده بود به موضع مشترکی دست یابد و اقداماتی را علیه ایران انجام دهد. کویت بندر الشعیبیه را برای تخلیه اسلحه و تجهیزات و مهمات وارداتی در اختیار عراق گذاشت و به هواپیماهای عراقی اجازه داد تا با عبور از فضای این کشور خود را به جنوب خلیج فارس نزدیک کنند و کشتی های ایرانی را هدف قرار دهند. هم چنین، ناوچه ها و کشتی های کوچک عراق از آب راه بین کویت و بوبیان و بالگردهای عراق از فضای کویت عبور کرده و علیه ایران دست به حملات نظامی می زدند.<sup>۳۱</sup>

### استراتژی ایران

استراتژی جمهوری اسلامی بعد از اخراج عراق از ایران تعقیب و تنبیه متجاوز بود. سرنگونی رژیم صدام حسین به عنوان آغازکننده جنگ از شرایط پایان جنگ محسوب می شد تا بار دیگر در پی تدارک تجاوز دیگری نباشد. مهندس میر حسین موسوی، نخست وزیر وقت، گفت: «تنبیه متجاوز جزء شروط حتمی پایان جنگ می باشد و ما همواره روی این شرط به عنوان شرطی که با عدالت سازگار است خواهیم ایستاد».<sup>۳۲</sup> برای تحقق این هدف توان نظامی جمهوری اسلامی ابزار آن استراتژی بود. در سال های پایانی جنگ، ابزار این استراتژی در مقایسه با توان عراق با محدودیت بیشتری روبه رو شد. جمهوری اسلامی در نظر داشت در پی اجرای عملیاتی سرنوشت ساز، ماشین جنگی رژیم صدام را تضعیف و با کمک خود مردم عراق حکومت آن را سرنگون و حکومتی اسلامی را در این کشور برقرار کند. در این چارچوب، گسترش جنگ به کشورهای دیگر نه از اهداف استراتژی بود و نه ابزار و روش آن اقتضای اتخاذ چنین شیوه ای را داشت. هم چنین، توانایی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برای تجهیز و تدارک جبهه های جنگ و اداره جامعه به درآمدهای حاصل از صدور نفتی که از راه پایانه های موجود در جزایر و بنادر خلیج فارس صادر می شد بستگی داشت. تداوم جریان نفت از خلیج فارس برای اقتصاد ایران به اندازه جریان خون در بدن انسان مهم بود. ایجاد وضعیت آرامی برای صدور نفت ایران و برقراری آرامش برای خطوط کشتیرانی یکی از اهداف استراتژیک جمهوری اسلامی ایران به شمار می آمد. هم چنین، از آن جا که جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ با عراق بود به این کشور اجازه نمی داد که برای تقویت توان نظامی خود از آب های خلیج فارس استفاده کند. بی شک، حفظ امنیت خلیج فارس یکی از اهداف راهبردی ایران بود و تهدید این

تأثیرات ناشی از تحولات سیاسی - نظامی در جنگ ایران و عراق خواستار تشکیل نیروهای سپر جزیره شدند. هم چنین، مقرر گردید که شورای همکاری خلیج فارس طی تماس با کشورهای عرب و سایر کشورها، برای خنثی کردن موقعیت برتر ایران که در اثر فتح فاو به دست آمده بود به موضع مشترکی دست یابد و اقداماتی را علیه ایران انجام دهد. کویت بندر الشعیبیه را برای تخلیه اسلحه و تجهیزات و مهمات وارداتی در اختیار عراق گذاشت و به هواپیماهای عراقی اجازه داد تا با عبور از فضای این کشور خود را به جنوب خلیج فارس نزدیک کنند و کشتی های ایرانی را هدف قرار دهند. هم چنین، ناوچه ها و کشتی های کوچک عراق از آب راه بین کویت و بوبیان و بالگردهای عراق از فضای کویت عبور کرده و علیه ایران دست به حملات نظامی می زدند.<sup>۳۱</sup>

### ۳) طرف های منازعه و استراتژی آنها

در سال پایانی جنگ، کویت با دعوت از قدرت های بزرگ جهان برای اسکورت نفتکش هایش نقش مهمی را در گسترش جنگ ایفا کرد. در این هنگام، جبهه گسترده و نامتقارنی در آب های خلیج فارس پدید آمد که یک طرف آن جمهوری اسلامی ایران و طرف دیگر آن مثلث عراق، حامیان منطقه ای آن، به ویژه کویت و عربستان و قدرت های فرامنطقه ای به ریاست امریکا بود. عراق آغازگر

### عراق آغازگر گسترش جنگ، کویت بستر ساز آن و قدرت ها و ابر قدرت ها مجریان آن محسوب می شدند

گسترش جنگ، کویت بستر ساز آن و قدرت ها و ابر قدرت ها مجریان آن محسوب می شدند. حوزه اصلی رویارویی نظامی، آب های خلیج فارس بود و بر این منازعه قواعد جنگ کم شدت حاکم بود. در این درگیری، هر یک از دو طرف برای رسیدن به اهداف سیاسی، نظامی با ملاحظاتی روبه رو بودند که از استفاده همه جانبه آنها از سلاح های خود جلوگیری می کرد. خشونت تا حدی کنترل می شد و اقدامات نظامی محدود و با هدف مشخص انجام می گرفت. البته، این موضوع درباره عراق به دلیل این که در حال یک جنگ تمام عیار با ایران بود صدق نمی کند. در این جنگ، عراق از تمام توان نظامی و تسلیحاتی خود برای رسیدن به هدف بهره جست. از

تحت الشعاع قراردادن میدان‌های نبرد جلوگیری کند. از نظر منابع و ابزار نیز، جمهوری اسلامی نمی‌توانست در فکر گسترش جنگ باشد؛ زیرا، توانایی نظامی ایران در خوش‌بینانه‌ترین حالت تنها می‌توانست بر توان نظامی عراق که در جبهه‌های جنگ بروز یافته بود غلبه کند.

#### استراتژی نظامی عراق

اگر دو کشور آمریکا و کویت با گسترش جنگ آسیب می‌دیدند، عراق تنها با بین‌المللی شدن جنگ می‌توانست از شکست خود جلوگیری کند. شدت بیشتر جنگ برای عراق معادل حمایت بیشتر نظام بین‌المللی از بغداد و دخالت شدیدتر برای پایان جنگ بود. با گسترش جنگ، امنیت در خلیج فارس بیش از پیش به خطر افتاد و فرصت صدور نفت برای ایران کم‌تر شد. قطع درآمدهای نفتی و درگیری در خلیج فارس تضعیف توان نظامی ایران را در رویارویی با عراق در پی داشت. بین‌المللی شدن جنگ برای عراق به معنای دخالت قدرت‌های دیگر جنگ در حمایت از عراق بود. شوروی و فرانسه منابع و ابزار لازم را برای این استراتژی فراهم می‌آوردند. هم‌چنین، خود دولت‌های منطقه در اجرای این استراتژی نقش مهمی را بازی کردند. نقض کامل بی‌طرفی از سوی کویت و برخی از کشورهای منطقه با واکنش جمهوری اسلامی ایران

امنیت به معنای به خطر افتادن منافع حیاتی آن تلقی می‌شد، یعنی گسترش جنگ در منطقه خلیج فارس از سوی هر کشوری و به هر نحوی که بود مسلماً با اهداف و منافع حیاتی ایران در تعارض قرار داشت و برای جلوگیری از گسترش جنگ تلاش می‌کرد. تلاش برای تأمین و حفظ امنیت در خلیج فارس تا زمانی پذیرفته می‌شد که مستلزم رعایت بی‌طرفی از سوی دیگر کشورها، حفظ جو تفاهم‌آمیز در منطقه و تداوم جریان نفت ایران بود. این استراتژی به سیاست امنیت برای همه یا هیچ که به شکل سیاست مقابله به مثل اجرا می‌شد معطوف بود. در این راه، جمهوری اسلامی بیشترین خویشتن‌داری را برای جلوگیری از ناامنی از خود نشان می‌داد. رئیس‌جمهور وقت با اشاره به حضور آمریکا در خلیج فارس ابراز کرد: «سیاست مقابله به مثل ما در برخورد با رژیم عراق و حامیانش بدون توجه به حضور نیروهای آمریکا ادامه خواهد یافت اگر آمریکا ناوهای خود را وارد جریان‌ات نکند، ما به آنها متعرض نخواهیم شد، ولی اگر قصد آشوب و انجام تحریکاتی داشته باشند با آنها مقابله به مثل خواهیم کرد».<sup>۳۳</sup> استراتژی جنگ محدود و کم‌شدت برای ایران یک گزینه مناسب بود که در صورت ایجاد ناامنی در خلیج فارس از سوی کشورهای دیگر، به شکل محدود به آن پاسخ می‌داد و تلاش می‌کرد که از گسترش آن و



کمک‌های اطلاعاتی به عراق و فروش تسلیحات به متحدان منطقه‌ای عراق محدود بود، اما بعد از تلاش عراق برای بین‌المللی کردن جنگ و دعوت کویت از قدرت‌های بزرگ برای حفاظت از نفتکش‌های کویتی، حضور نظامی امریکا در خلیج فارس افزایش یافت و کمک‌های نظامی این کشور به عراق به صورت آشکار جلوه گر شد. امریکا عملاً به یک جنگ محدود با ایران وارد شد و در سال ۱۳۶۶، نیروی خود را در اقیانوس هند به یک گروه ناوگان کامل افزایش داد. این گروه ناوگان ۸۵ هزار تنی کیتی هاوک\* و یازده فروند کشتی اسکورت را شامل می‌شد. نیروی ضربتی این ناوگان در خارج از خلیج فارس در ساحل عمان مستقر بود. به تدریج، تعداد شناورهای امریکایی به ۳۸ فروند رسید و حدوداً به همان میزان نیز متحدان غربی امریکا شناور به خلیج فارس آوردند. از نظر ابزار و منابع، امریکا از توان کافی برای اجرای عملیات نظامی گسترده‌تر برخوردار بود، ولی آسیب‌پذیری این کشور، مشکلات داخلی درباره تقسیم قدرت بین نهادها و سابقه و ذهنیت منفی تاریخی مردم امریکا نسبت به جنگ‌های منطقه‌ای که تا آن موقع دخالت زیان‌بار ویتنام و لبنان را تجربه کرده بودند، موجب وحشت امریکا از آغاز یک جنگ فرسایشی دیگر در منطقه شد. به هر حال، با توجه به موارد یادشده امریکا گزینه جنگ محدود و کم‌شدت را بر جنگ همه جانبه و فراگیر ترجیح می‌داد و می‌کوشید تا به هر نحو ممکن، از ایجاد یک جنگ فرسایشی جلوگیری کند. با این حال، این کشور با گشودن یک جبهه جدید علیه جمهوری اسلامی ایران و آغاز یک جنگ کم‌شدت در منطقه نقش مهمی را در بین‌المللی شدن جنگ بازی کرد.

#### استراتژی کویت و عربستان

طرف دیگر بین‌المللی شدن جنگ، کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس بودند. این کشورها استراتژی واحدی نداشتند، اما در آن زمان، همگی نگران گسترش انقلاب اسلامی و فروپاشی حکومت‌های پادشاهی سنتی خود بودند. این نگرانی با اقدامات و تبلیغات عراق و واکنش‌های ایران افزایش یافت. حملات عراق به کشتی‌ها و اعمال سیاست مقابله به مثل ایران نمونه عالی این زنجیره اقدامات عراق و ایران و نگرانی و واکنش عرب‌ها بود. البته، با این بیان نباید نقش کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس را در کمک به عراق و امریکا نادیده گرفت. امریکا در طول عملیات نظامی خود در منطقه از نظر

روبه‌رو شد و منطقه را در وضعیتی قرار داد که در آن، روند درگیری رو به افزایش بود. عراق در پی تصاعد درگیری و ایران، کویت و امریکا به نسبت‌های متفاوت خواستار کنترل آن بودند.<sup>۲۴</sup> عراق امیدوار بود که با تشدید و بین‌المللی کردن جنگ به صلح دست یابد و از درگیری بیشتر در یک جنگ فرسایشی که ایران به سبب جمعیت بیشتر و پایگاه صنعتی گسترده‌تر در آن طرف برتر بود احتراز کند. در نتیجه، برای اجرای این امر تشدید جنگ شهرها از طریق به کارگیری موشک‌های دوربرد، استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان، تهدید به حمله شیمیایی علیه شهرهای بزرگ و بهره‌گیری از توان بالای نیروی هوایی خود در حمله به کشتی‌ها و مراکز نفتی ایران در خلیج فارس را در برنامه کاری خود قرار داد و در سال پایانی جنگ، از همه آنها برای جلب توجه افکار عمومی جهان، سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ برای اقدام در پایان دادن به جنگ بهره برد.

#### استراتژی امریکا

امریکا ضلع سوم مثلث متحدان عراق در خلیج فارس از استراتژی جنگ کم‌شدت پیروی می‌کرد. اهداف کلی این کشور در منطقه حمایت از کشورهای منطقه در مقابل موج انقلاب اسلامی، جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ و تسلط بر منطقه، اعاده اعتبار مخدوش شده امریکا در ماجرای مک فارلین میان کشورهای منطقه، جلوگیری از نفوذ شوروی و تداوم جریان نفت بود. این کشور در درجه نخست به شدت از پیروزی ایران نگران بود. در نتیجه، اولویت نخست امریکا جلوگیری از تحقق این هدف بود. در سال ۱۳۶۶، کمیته روابط خارجی سنای امریکا در گزارشی نوشت: «شکست عراق برای منافع غرب فاجعه‌آمیز است. پیروزی ایران بر عراق به عنوان یک پیروزی برای بنیادگرایی اسلامی به شمار می‌رود. این تصور که ایران امریکا را در جریان معامله جزئی سلاح در مقابل آزادی گروگان‌ها تحقیر کرده است بر جذبه بنیادگرایی می‌افزاید، پیروزی ایران بر عراق این جذبه را با عواقب بی‌ثبات‌کننده و مخربی برای رژیم‌های عرب محافظه‌کار از تونس و مصر گرفته تا عمان افزایش می‌دهد».<sup>۲۵</sup>

سیاست امریکا در ابعاد گوناگون نظامی، سیاسی و اقتصادی در راستای جلوگیری از پیروزی ایران بود. بعد نظامی سیاست بیشتر در سال پایانی جنگ بروز یافت. تا قبل از این سال، بعد نظامی سیاست امریکا بیشتر به ارائه

سوخت، استفاده از تاسیسات هوایی و دریایی، امکانات استقرار هواپیما، نیروهای زمینی و تفنگ‌داران دریایی به کویت و عربستان وابسته بود. آنتونی کزدمن در کتاب درس‌هایی از جنگ‌های نوین: جنگ ایران و عراق در این باره می‌نویسد: «کویت هزینه اجاره شناورهایی را که آمریکا در خلیج فارس از آنها استفاده می‌کرد پرداخت می‌نمود و ماهانه، حدود نه میلیون گالن سوخت به آن کشور تحویل می‌داد». کویت همکاری‌هایی را در زمینه استفاده از تاسیسات بندری و غیره نیز انجام می‌داد. عربستان سعودی به آمریکا اجازه داد تا هواپیماهای P-3C را در خاک کشورش مستقر سازد و مین‌روب‌های آمریکایی گهگاهی از منطقه جیبیل استفاده می‌کردند. ریاض هم چنین، حمایت آواکس‌های E-3A و پشتیبانی تدارکاتی از حضور آمریکا در منطقه را فراهم آورد. در بخش نهایی، خلیج فارس آواکس‌های عربستان با خدمه آمریکا و در بخش جنوبی آواکس‌های E-SA عربستان سعودی پوشش هوایی لازم را فراهم می‌آوردند. عربستان به شناورها و ناوگان هواپیماهای آمریکا اجازه می‌داد برای سوخت‌گیری مجدد در آب‌های آن کشور پهلو بگیرند. بحرین خدمات پزشکی و آتش‌نشانی را در زمان حمله به ناوچه آمریکایی استارک و تعمیر آن پس از اصابت را تأمین کرد. بالگردهای

### کویت هزینه اجاره شناورهایی را که آمریکا در خلیج فارس از آنها استفاده می‌کرد، پرداخت می‌نمود و ماهانه، حدود نه میلیون گالن سوخت به آن کشور تحویل می‌داد

آمریکایی به طور معمول از خاک بحرین برای تمرین و بارگیری استفاده می‌کردند. هم‌چنین، بحرین به ناوگان‌های آمریکایی اجازه داده بود که به طور مستمر بارگیری کنند. در اوج استقرار نیروهای آمریکایی در منطقه، در هر هفته، یک کشتی تدارکاتی و در هر روز، پنج هواپیمای C-141 و DC-8 و DC-10 نیروی هوایی آمریکا در بحرین تخلیه بار می‌کردند. بحرین به صورت دوافکتو استقرار نیروهای آمریکایی را در خاک خود پذیرفته و چندین سکوی بزرگ را برای استقرار نیروهای آمریکایی به آنها اجاره داده بود. امارات متحده عربی نیز به ناوهای E-2 آمریکا اجازه سوخت‌گیری مجدد و پهلوگیری در بنادر و به هواپیماهای E-3A آن اجازه پرواز بر فراز خاک آن کشور را داده بود. دومی خدمات بسیار مهم تعمیراتی را برای ناوهای

آمریکایی تأمین می‌کرد. عمان نیز به آمریکا اجازه داده بود تا هواپیماهای P-3 را در میصره مستقر سازد و به این ترتیب، برای گروه ناوگان جنگی آمریکا نقش پایگاه اصلی را بازی می‌کرد. هر چند میزان دقیق همکاری کشورهای منطقه با آمریکا هنوز محرمانه است، فرماندهان نظامی آمریکا این همکاری را برای موفقیت عملیاتشان فوق‌العاده حیاتی عنوان می‌کنند.<sup>۳۷</sup>

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از سال ۱۳۶۵، عراق به دلیل شکست‌های سنگین در فاو و شرق بصره و ناکامی آن در استراتژی دفاع متحرک، بین‌المللی کردن جنگ را جایگزین استراتژی جنگ فرسایشی کرد و آن را با تمام توان به اجرا گذاشت، سلاح‌های پیشرفته فرانسوی و روسی ابزارهای لازم را برای آن فراهم آورد و حمایت‌های همه‌جانبه کویت و عربستان سعودی اجرای آن را تسهیل کرد. جنگ نفتکش‌ها، جنگ شهرها و استفاده گسترده از سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان جلوه‌های بیرونی سیاست عراق در اجرای استراتژی خود بود. زمامداران عراق دریافته بودند تا زمانی که جنگ و پیامدهای آن متوجه کشورهای دیگر نشود، جامعه جهانی گام نهایی را برای پایان جنگ برنمی‌دارد. اختلال در جریان نفت از خلیج فارس به کشورهای صنعتی جهان حساس‌ترین موضوع و سهل‌ترین هدف بود. صدور نفت از منطقه جزء منافع حیاتی قدرت‌های بزرگ و مؤثر جهان و کشورهای صادرکننده نفت در منطقه از جمله خود ایران محسوب می‌شد و هرگونه اختلال در آن واکنش تند آنها را در پی داشت.

قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه گسترش جنگ به کشورهای دیگر حوزه خلیج فارس را با حساسیت پیگیری می‌کردند و افکار عمومی جهان تحت تأثیر آثار و پیامدهای ضدبشری استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، گسترش حملات علیه مناطق مسکونی و موشک‌باران شهرها بود و به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ فشار می‌آورد. ناوگان دریایی آمریکا که به صورت محدود پس از پیروزی انقلاب در منطقه حضور داشت به شدت افزایش یافت و زمامداران کاخ سفید ضمن اسکورت نفتکش‌های کویتی، از متحدان غربی خود درخواست کردند تا برای تأمین امنیت جریان صدور نفت از خلیج فارس تعدادی ناوگان نظامی و کشتی‌های



برای تصویب قطع نامه تحریم تسلیحاتی ایران برآمد، امریکا با فشارهای مداوم خود بر چین خواستار پایان دادن به ارسال سلاح، به ویژه موشک های H۲۲ به ایران شد؛ زیرا، مدعی بود که ایران با این موشک ها به نفتکش های امریکایی در بندر الاحمدی حمله کرده و سرزمین کویت را هدف قرار داده است. هر چند قطع نامه تحریم تسلیحاتی هرگز به تصویب نرسید، حساسیت دولت ها و افکار عمومی کشورها نسبت به تداوم جنگ به مرحله ای رسیده بود که ارسال سلاح و تجهیزات را به ایران به شدت محدود و هزینه آن را افزایش داده بود. جدا از عوامل دیگری که در آغاز بحث مطرح شد، موضع به ظاهر صلح طلبانه عراق در سال پایانی موقعیت بین المللی این کشور را بهبود بخشیده بود و با وجود این که اقدامات ضدبشری و انجام جنایات جنگی در استفاده از سلاح های شیمیایی علیه مردم حلبچه، گسترش جنگ در خلیج فارس و حمله علیه خطوط کشتیرانی، مناطق مسکونی، غیرنظامیان و آثار تاریخی مورد پذیرش افکار عمومی نبود، پیامدها و فشارهای بین المللی ناشی از این وقایع به این دلیل که ایران بر ادامه جنگ پافشاری می کرد، عمدتاً به طرف جمهوری اسلامی ایران سوق داده می شد. در نتیجه، محدودیت هایی علیه ایران اعمال می شد. به این ترتیب، هر قدر اقدامات عراق در بین المللی کردن جنگ و تشدید آن بیشتر می شد فشارهای بین المللی بر جمهوری اسلامی ایران ابعاد جدیدتری می یافت و تشدید می شد.

### یادداشت ها

۱. ر.ک. به: کریس هیبلزگری؛ جنگ پست مدرن؛ سیاست نوین درگیری؛ ترجمه احمدرضا تقاء؛ تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ، ۱۳۸۱.
۲. برای مطالعه بیشتر درباره شاخص های قدرت در عراق ر.ک. به: سید حسین سیف زاده؛ عراق: ساختار و فرآیند گرایش های سیاسی؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.
۳. حسین یکتا؛ روز شمار جنگ ایران و عراق بحران در خوزستان؛ جلد ۲ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات، ۱۳۷۷، ص ۴۹۳.

4. Helms Christine Moss; *Iraq: Estern Flank of the Arab World*. Washington D.C.1984.P.204-208.

مین روبرو به منطقه اعزام کنند. در نتیجه، خلیج فارس شاهد بیش از هفتاد فروند شناور غربی در سال پایانی جنگ بود که عملکردشان در راستای حمایت از عراق و اعمال فشار بر جمهوری اسلامی قرار داشت.

بین المللی شدن جنگ در حوزه سیاسی نیز تأثیر مستقیم داشت این تأثیر را می توان در سه سطح کشورهای منطقه، قدرت های بزرگ و سازمان ملل متحد بررسی کرد. حوادث خلیج فارس موجب تغییر در مواضع معدود کشورهای طرفدار ایران در منطقه شد.

متحدان عراق در جهان عرب تلاش گسترده ای را برای جدا کردن متحدان منطقه ای ایران آغاز کردند. برای نمونه، مصر روابط نزدیک تری با عراق برقرار کرد. معمر قذافی در یک چرخش ۱۸۰ درجه ای اعلام کرد: «عاقبت این جنگ نابودی دو کشور است و اگر ایران بخواهد به صورت یک قدرت استعماری در خلیج فارس درآید لیبی علیه او وارد جنگ خواهد شد». هم چنین، وزیر خارجه لیبی به بغداد سفر کرد و مجدداً روابط دیپلماتیک دو کشور از سر گرفته شد.<sup>۲۸</sup> به طوری که حتی پس از برگزاری اجلاس اتحادیه عرب در تونس، رهبر لیبی برخی از کمک های خود را به ایران یکی از اشتباهات بزرگ خواند.<sup>۲۹</sup> سوریه ضمن تأکید بر حمایت خود از جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که سوریه نمی تواند تصرف بصره را قبول کند و در صورت اقدام نظامی علیه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در کنار اعراب باقی خواهد ماند و هرگونه تعرض به خاک آنها را تعرض به سوریه تلقی خواهد کرد.<sup>۳۰</sup> در مجموع، مواضع و عملکرد کشورهای سوریه و لیبی باعث شکست عراق در عربی کردن جنگ شد و عملکرد کشورهای عرب متحد عراق برای جدا کردن آنها از انقلاب اسلامی ناموفق بود، ولی گسترش جنگ در خلیج فارس موجب نزدیکی بیشتر آنها به کشورهای عرب شد. هم چنین، در اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران گام های مؤثری برداشته شد.

در سازمان ملل، جنگ ایران و عراق به صورت جدی مورد توجه قرار گرفت. شورای امنیت پس از مذاکرات گسترده و طولانی ای که پنج ماه به طول انجامید، قطع نامه ۵۹۸ را در قالب فصل هفت منشور ملل متحد تصویب کرد. با گسترش جنگ در عرصه دریا، استفاده عراق از سلاح های شیمیایی، تشدید جنگ شهرها و استفاده از موشک های دوربرد توجه افکار عمومی بیش از گذشته به جنگ معطوف شد و فشار برای پایان دادن به جنگ افزایش یافت. شورای امنیت در پی جلب نظر موافق تمام اعضا

۵. ر.ک.به: داود باوند: «نگرشی گذرا بر سیاست خارجی دولت خاتمی: نویدها و زندهاها» در مهدی ذاکریان. سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب نظران. تهران: همشهری، ۱۳۸۰، صص ۱۲۱-۱۳۶.
۶. محمدباقر حشمت زاده: «جنگ تحمیلی و نفت» جنگ تحمیلی (مجموعه مقالات) تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۷۳، صص ۲۷-۸۶.
۷. حسین اردستانی؛ تنبیه متجاوز. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹، ص ۲۱۱.
۸. موسی کاظمی. «تحلیل آماری جنگ شهرها، نگاهی از آغاز تا پایان» در مجید مختاری (به اهتمام) تاملی در جنگ ایران و عراق: چند مسئله راهبردی؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، ص ۱۵۷.
۹. محمود یزدان فام؛ نبرد با دریا و دشمنان دریایی، فصلنامه تاریخ جنگ؛ شماره ۱۷، تابستان ۱۳۷۷، ص ۶۳.
- 10- Anthony H.Cordesman and Abraham R. Wagner. *The Lessons of Modern War. Vol.II: the Iran - Iraq War*. London: Westview Press, 1990.P.229.
۱۱. یحیی فوزی و علیرضا لطف الله زادگان؛ روزشمار جنگ: در تدارک عملیات سرنوشت ساز؛ جلد ۴۳، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، ص ۲۸۸.
12. Cordesman. OP.Cit.P.242.
۱۳. ژوهانس ایسنر؛ «مسئله تجاوز و نقش دریافت جهانی از جنگ ایران و عراق» در بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع؛ جلد ۲، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز دفاع، ۱۳۶۸، صص ۲۹۵-۳۰۲.
۱۴. الیزابت گاملن و پال راجرز، «قرار گرفتن نفتکش های کویتی زیر پرچم ایالات متحده: دلایل و تأثیرات آن» در بازشناسی جنبه های تجاوز دفاع؛ جلد ۲، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، ۱۳۶۸، صص ۱۵۳-۱۸۴.
- 15-Maxwell Orme Johnson. "The Role of U.S. Military Force in the Gulf War".in Christopher C.Joyner, *The Persian Gulf War: Lessons for Stratgy, Law and Diplomacy*. (New york: Green wood press, (1990).
- 16- Nadia EL-Sayed EL-Shazly. *The Gulf Tanker War: Iran and Iraqs Maritime Sword play*. London: Macmilian Prass LTD, 1998, p.282-292.
۱۷. محمدحسین جمشیدی و محمود یزدان فام؛ روزشمار جنگ ایران و عراق: عملیات کربلای ۱۰؛ در دست انتشار؛ جلد ۴۸، روز ۱۳۶۶/۲/۲۹.
۱۸. محمود یزدان فام؛ «سیمای خلیج فارس در واپسین سال جنگ ایران و
- عراق» ماهنامه نگاه ویژه جنگ ایران و عراق؛ شماره ۱۵ و ۱۶، شهریور و مهر ۱۳۸۰، صص ۸۹-۱۰۲.
۱۹. علی اکبر علی خانی؛ «مواضع و عملکرد نظام بین الملل در قبال جنگ ایران و عراق» در دفتر بررسی های سیاسی. انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین الملل؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۱۴۱-۱۸۸.
۲۰. محمد درودیان؛ فاو تا شلمچه؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ سوم، ۱۳۷۹، ص ۳۰.
۲۱. عبدالحکیم ابوغزاله؛ جنگ عراق و ایران؛ ترجمه نادر نوروزشاد؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، ص ۶۲۹.
۲۲. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۶/۴، ص ۳.
۲۳. روزنامه رسالت، ۱۳۶۶/۵/۲۴، ص ۵.
24. El-Sayed; Op.Cit.p.190-193.
۲۵. روزنامه کیهان، ۱۳۶۶/۸/۶، ص آخر.
26. Orme Johnson. Op.Cit.p.127-138.
27. Cordesman.Op.Cit.p.571.
۲۸. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۱۰/۹، ص آخر.
۲۹. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۳/۳۰، ص آخر.
۳۰. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۷/۹، ص آخر.

WWW.DEFADOC.S.IR

# دلایل و ریشه‌های موضع‌گیری ترکیه در جنگ ایران و عراق

رحمان قهرمان پور

شماره ۱ - تابستان ۸۱

## مقدمه

تحولاتی که در اواسط دهه ۷۰، در نظام بین‌الملل رخ داد، اهمیت نفت و به تبع آن منطقه خاورمیانه، به ویژه خلیج فارس را افزایش داد. از همین رو، حفظ امنیت جریان نفت برای غرب و نظام سرمایه‌داری اهمیتی حیاتی داشت. سیاست دو ستونی نیکسون در خلیج فارس نیز در راستای سپردن امنیت منطقه به قدرت‌های منطقه‌ای بود. ظهور و موفقیت پدیده‌ای به نام انقلاب اسلامی در ایران هم معادلات امنیتی منطقه را بر هم زد و هم به طور جدی، منافع غرب را در خاورمیانه، به ویژه خلیج فارس تهدید کرد. طرح مسئله صدور انقلاب، غرب و کشورهای منطقه را بیش از پیش نگران نمود. عدم تحقق اهداف عراق و تداوم جنگ با برتری جمهوری اسلامی ایران کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا و نیز ابرقدرت بلوک شرق، یعنی شوروی را به دخالت مستقیم در فرآیند جنگ وادار کرد. ترکیه به دلیل موقعیت خاص ژئوپلیتیک، منافع امنیتی و اقتصادی متأثر از جنگ، به خودی خود درگیر مسائل جنگ بود و با این حال تلاش کرد موضع بی‌طرفی خود را تا پایان جنگ حفظ کند.

هرچند موقعیت ممتاز ژئوپولیتیک ترکیه که به منزله پلی میان جهان شرق و غرب در دوران جنگ سرد عمل می‌کرد، دربردارنده منافع برای این کشور بود، گاهی نیز در راستای تهدید منافع ملی این کشور عمل می‌کرد. افزون بر اینها، ساختار نظام سیاسی این کشور لائیک و بر جدایی

دین از سیاست مبتنی بود و نخبگان ترک می‌کوشیدند با نزدیکی به غرب ترکیه را به یک کشور غربی و صنعتی تبدیل کنند. در همین راستا، توسعه اقتصادی و انباشت سرمایه، اصلی‌ترین دغدغه نخبگان ترک بود. ترکیه به دلیل نداشتن منابع زیرزمینی مانند نفت و گاز برای صادرات، از نظر انرژی به شدت به جهان خارج و در رأس آنها منطقه خاورمیانه وابسته بود. در کنار اینها، حضور قدرتمند این کشور در منطقه تابعی از روابط آن با بلوک غرب، به ویژه آمریکا بود.

به این دلیل که اولویت نخست سیاست خارجی ترکیه از زمان تأسیس جمهوری ترکیه در ۱۹۲۳، غربی و صنعتی شدن بود؛ بنابراین، نخبگان نظامی و سکولار این کشور همواره روابط خود را با دیگر کشورها و مناطق براساس رابطه خود با غرب تنظیم کرده‌اند. به عبارت دیگر، غرب در سیاست خارجی ترکیه همواره یک متغیر مستقل محسوب می‌شود. از طرف دیگر، به دلیل مشکلات متعدد در منطقه خاورمیانه، نخبگان ترک، به ویژه نظامیان کوشیده‌اند با اجتناب از نزدیکی بیشتر به این منطقه، از گسترش ناامنی‌های منطقه‌ای به داخل کشور و در نتیجه، تهدید نظام سکولار مبتنی بر آرمان‌های آتاتورک جلوگیری کنند، اما در عین حال، هر وقت نزدیکی موقتی به خاورمیانه موجب می‌شد تا ترکیه به غرب نزدیک تر شود نخبگان این کشور درنگ نکرده و روابط خود را با کشورهای عرب و حتی ایران تقویت نموده‌اند، اما این امر نه یک قاعده، بلکه

یک استثنا محسوب می‌شود. افزون بر اینها عضویت ترکیه در ناتو محدودیت‌هایی را برای دخالت این کشور در مسائل خاورمیانه ایجاد می‌کرد؛ زیرا، مقامات ناتو در اروپا با بلوک شرق درگیر بودند و به گسترش حوزه‌های مأموریت خود تمایلی نداشتند.

بنابراین، برای درک چرایی موضعگیری بی‌طرفانه فعال ترکیه در قبال جنگ ایران و عراق، باید وضعیت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور را در آستانه آغاز جنگ و نیز سال‌های بعد از آن بررسی کرد؛ زیرا، این موضعگیری تابعی از شرایط کلی حاکم بر جامعه و حکومت و نیز بازیگران مهم در عرصه تصمیم‌گیری بود. ده روز پس از کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ در ترکیه، عراق به ایران حمله کرد. این کودتا نتیجه افزایش خشونت‌های بی‌سابقه سیاسی در این کشور طی دهه ۷۰ بود. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجی از اسلام‌گرایی در خاورمیانه به راه انداخته بود و بی‌شک، نظام سکولار ترکیه

گسترش خصوصی‌سازی، مهم‌ترین عامل در روی آوردن ترکیه به موضع بی‌طرفی در قبال جنگ ایران و عراق بود. مفروضات مورد نظر در این مورد عبارت‌اند از:

(۱) غربی و صنعتی شدن یکی از محورهای اساسی سیاست خارجی ترکیه است؛

(۲) توسعه اقتصادی یکی از پیش شرط‌های لازم برای غربی شدن است؛ و

(۳) موقعیت برتر ژئوپولیتیک ترکیه یکی از عوامل ثابت در رویکرد این کشور به جهان خارج محسوب می‌شود.

برای آزمون فرضیه، عوامل مؤثر بر موضعگیری ترکیه را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و نظام بین‌الملل بررسی می‌کنیم و نشان می‌دهیم که تصمیم‌نخبگان ترک برای پیگیری سیاست‌های توسعه اقتصادی و خصوصی‌سازی واکنش آنان به مسائل داخلی و خارجی این کشور بود و در پی همین تصمیم نیز، لزوم انباشت سرمایه به صورت جدی برای ترکیه مطرح شد.

#### ۱) جنگ ایران و عراق و مسائل داخلی ترکیه در دهه ۸۰

نگاهی به تحولات جامعه ترکیه گویای آن است که در دهه ۸۰ و طی جنگ ایران و عراق، چهار مسئله عمده در رابطه با جنگ مزبور در ترکیه وجود داشت. هرچند عوامل مزبور الزاماً نتیجه جنگ نبودند، در هر حال، هم بر آن تأثیر گذاشتند و هم از آن تأثیر پذیرفتند. این عوامل که در زیر آنها را بررسی خواهیم کرد، عبارتند از: الف) اسلام‌گرایی؛ ب) ناسیونالیسم کردی؛ ج) توسعه اقتصادی؛ و د) مهاجرت ایرانیان به ترکیه.

##### الف) اسلام‌گرایی

هرچند ظهور احزاب اسلامی در ترکیه به دهه ۶۰ برمی‌گردد، اما انقلاب اسلامی ایران و به تبع آن جنگ تحمیلی تأثیر به‌سزایی در گرایش به اسلام در میان مردم ترکیه داشت. این گرایش برای نظام سکولار ترکیه تهدیدی جدی محسوب می‌شد. از همین رو، نخبگان این کشور درصدد کنترل این گرایش برآمدند. آنها به خوبی می‌دانستند که پیروزی ایران در جنگ، یعنی موفقیت کامل سیاست صدور انقلاب. ترکیه در نوک پیکان این سیاست در خاورمیانه قرار داشت؛ زیرا، نظام این کشور یک نظام لائیک بود و حتی از نظر انقلابیون، ضد‌مذهب محسوب می‌شد. انقلابیون ایران آتانورک را دوست و راهنمای رضا شاه در مقابله با اسلام، به ویژه روحانیت می‌دانستند. از

#### نخبگان نظامی و سکولار ترکیه همواره روابط خود را با دیگر کشورها و مناطق براساس رابطه خود با غرب تنظیم کرده‌اند. به عبارت دیگر، غرب در سیاست خارجی ترکیه همواره یک متغیر مستقل محسوب می‌شود

یکی از اهداف اصلی این موج بود. در چنین اوضاع ناآرامی، ثبات در داخل و مناطق اطراف ترکیه اصلی‌ترین اولویت منافع ملی این کشور محسوب می‌شد، اما طبیعی است که ثبات و امنیت برای کشورهای که می‌خواهند توسعه یابند به خودی خود هدف و غایت نیست. ثبات زمانی معنا پیدا می‌کند که به قدرتمند شدن یک کشور منجر شود.

با توجه به آنچه گفته شد پرسش اصلی مقاله حاضر این است که مهم‌ترین دلیل موضعگیری بی‌طرفانه ترکیه در قبال جنگ ایران و عراق چه بود؟ در این راستا، پرسش‌های فرعی دیگری نیز مطرح می‌شوند. مثلاً آیا تحولات منطقه خاورمیانه و نیز نفوذ امریکا تأثیر به‌سزایی در این موضعگیری داشت یا نه؟ تحولات نظام بین‌الملل، به ویژه گسترش سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال در بلوک غرب و کشورهای وابسته به آن تا چه حد در روی آوردن ترکیه به موضع بی‌طرفی مؤثر بود؟ فرضیه اصلی عبارت است از این که نیاز ترکیه به انباشت سرمایه در دهه ۸۰، آن هم به دلیل در پیش گرفتن سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال و

یا همان اسلام سنتی غیر ایدئولوژیک در برابر اسلام گرایی رادیکال شیعه دانست و هدف از آن را جلوگیری از گسترش حرکت های بنیادگرایانه در این کشور تلقی کرد. از نظر رشد اسلام گرایی، آغاز جنگ میان عراق و ایران چند نتیجه عمده را برای ترکیه در پی داشت. نخست، این که، مسئله صدور انقلاب در ایران تحت الشعاع جنگ قرار گرفت و به اولویت دوم تبدیل شد. دوم آن که توانایی ایران برای صدور انقلاب به دلیل درگیر شدن در جنگ کاهش یافت و ادامه جنگ به این وضعیت شدت بخشید. سوم این که، مقامات ترک به دلیل نیاز ایران به ترکیه، طی جنگ از کنترل صدور اسلام گرایی از سوی ایران تا حد زیادی اطمینان یافتند. به این ترتیب، این فرصت برای ترک ها فراهم شد تا نوعی اسلام گرایی کنترل شده از بالا را رواج دهند. البته، اعلام بی طرفی ترکیه در جنگ، این وضعیت را تقویت کرد، هر چند سرانجام این اسلام کنترل شده به افول سکولاریسم در ترکیه منجر شد؛ همان چیزی که انقلاب اسلامی در دهه ۸۰ به دنبال آن بود، ولی اقدامات مقامات

طرف دیگر، شکست ایران نیز می توانست ناسیونالیسم کردی را با تجزیه شدن کردستان ایران فراهم آورد. از یک دیدگاه، استفاده از نمادهای اسلامی در جنگ و مقاومت بی نظیر مردم در مقابل حمله عراق، نشان دهنده پتانسیل نهفته در اسلام بود که می توانست حتی بدون وجود اقدام عملی برای صدور انقلاب اسلامی، اسلام گرایان ترکیه را به ادامه مبارزه خود در داخل نظام سیاسی ترکیه تشویق کند و در نتیجه همین امر بود که بعد از انقلاب اسلامی، برای نخستین بار نمازگزاران مسجد فاتح استانبول، علیه آتاتورک شعار دادند و او را به باد تمسخر گرفتند. زمانی که رسانه ها این حرکت را منعکس کردند، اربکان در مقام نماینده اسلام گرایی از این حرکت غیراسلامی اظهار تأسف نمود، ولی از آتاتورک دفاع نکرد. در ۱۵ شهریور ۱۳۵۹ نیز، طرفداران حزب سلامت ملی طی یک راهپیمایی در قونیه، از خواندن سرود ملی اجتناب کردند و بازگشت به شریعت را خواستار شدند.<sup>۱</sup> همین طور، در مهرماه سال ۱۳۶۳ در شهر باش قلعه، بین

### عضویت ترکیه در ناتو محدودیت هایی را برای دخالت این کشور در مسائل خاورمیانه ایجاد می کرد؛ زیرا، مقامات ناتو در اروپا با بلوک شرق درگیر بودند و به گسترش حوزه های مأموریت خود تمایلی نداشتند

ترک باعث شد تا این جریان یک دهه بعد از درون خود جامعه ترکیه سر برآورد. فیلیپ رابینز بر این باور است که افول سکولاریسم در ترکیه سه دلیل عمده دارد: (۱) جست و جوی قدرت از سوی احزاب و ائتلاف احزاب سکولار با احزاب اسلامی برای ماندن در قدرت که به نوبه خود تقویت احزاب اسلام گرا را موجب می شود؛ (۲) ظهور کشورهای نفت خیز خاورمیانه و قدرت یافتن آنها در دهه ۸۰، به ویژه بعد از بحران نفتی. تلاش آنکارا برای جذب سرمایه و توریست از کشورهای خلیج فارس و نیز انعقاد قراردادهای ساخت و ساز، توجه بیشتر ترکیه را به این کشورها باعث شد، اما رژیم های سیاسی این منطقه از لائیسزم آتاتورک هراسان بودند؛ بنابراین، ترکیه با ورود به سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۷۶ کوشید از شدت این تهدید بکاهد. از سوی دیگر، عربستان با استفاده از این فرصت توانست بازگشت مجدد اسلام را به ترکیه تسریع کند. به این ترتیب، تلاش برای جذب منافع اقتصادی به تضعیف ایدئولوژی آتاتورک در ترکیه منجر شد؛ و (۳) دلیل سوم ترس مقامات ترکیه از سلطه جناح چپ بر کشور بود. در دهه ۷۰، اسلام گرایان راست در خشونت های شهری

نیروهای دولتی و طرفداران نجم الدین اربکان درگیری صورت گرفت. در نتیجه، یک ماشین دولتی به آتش کشیده شد.<sup>۲</sup>

ادامه جنگ میان عراق و ایران و پیروز نشدن یکی از دو طرف تضمینی برای عدم صدور انقلاب ایران به ترکیه بود. این موضعگیری آنکارا با موضع واشنگتن که می کوشید بنا به سیاست کلی جلوگیری از ظهور هژمون های منطقه ای، هر دو کشور قدرتمند مخالف اسرائیل، یعنی ایران و عراق را هم زمان تضعیف کند، همسو بود. به همین دلیل، نخبگان ترک اسلام گرایی را تهدیدی برای منافع ملی خود محسوب نمی کردند. به دلیل همین گرایش بود که تورگوت اوزال، نخست وزیر وقت ترکیه، درصدد مدیریت مسئله اسلام گرایی برآمد. سیاست محوری او نزدیکی به کشورهای اسلامی سنی مذهب (نظیر عربستان) برای جلوگیری از نفوذ تشیع ایرانی بود. بعدها، فاش شد که در این راستا، اوزال کمک های زیادی را از عربستان دریافت کرده و به این کشور اجازه داده است مساجد و مراکز مذهبی متعددی را در ترکیه احداث کند. از این نظر، سیاست ترکیه را می توان ترویج اسلام گرایی سنی میانه رو



چندان شرکت نداشتند. به همین دلیل، نظامیان به این نتیجه رسیدند که تهدید چپ‌ها به مراتب بیشتر است؛ بنابراین، اسلام راست محافظه‌کار را بر چپ مارکسیستی ترجیح دادند.<sup>۲</sup>

### ب) ناسیونالیسم کردی

حفظ تمامیت ارضی آناتولی به منزله سرزمین ترک‌ها یکی از اصول اساسی تفکرات آتاتورک بود. در همین راستا، کمالیست‌ها همواره نسبت به توطئه تجزیه ترکیه نگران بوده‌اند و این نگرانی را حتی به نزدیک‌ترین دوستان خود نظیر آمریکا نیز تسری داده‌اند. حرکت‌های استقلال طلبانه

ناسیونالیسم کردی نبود. البته، نمی‌توان این امر را به معنای بی‌اهمیت بودن مسئله مزبور تلقی کرد. هنگامی که مقامات ترک مقاومت دلیرانه ایرانی‌ها را برای پس گرفتن خرمشهری که صدام آن را عربستان می‌نامید، مشاهده کردند، اطمینان یافتند که نظام سیاسی ایران به همین راحتی اجازه نمی‌دهد یک دولت خودمختار در منطقه کردستان تشکیل شود. نگرانی دیگر نخبگان ترک احتمال ائتلاف میان اسلام‌گرایان و کردها علیه ترکیه بود. البته، از آن جایی که ناسیونالیسم کردی در ترکیه متأثر از عملکرد نخبگان کرد و نه عامه مردم بود و این نخبگان نیز بیشتر گرایش‌های مارکسیستی داشتند، ائتلاف مزبور نمی‌توانست



## هرچند ظهور احزاب اسلامی در ترکیه به دهه ۶۰ برمی‌گردد، اما انقلاب اسلامی ایران و به تبع آن جنگ تحمیلی علیه ایران تأثیر به‌سزایی در گرایش به اسلام در میان مردم ترکیه داشت

چندان جدی باشد. بعدها، نفوذ اسلام‌گرایی در میان مردم عادی گُرد، حتی خود مبارزان آنها را نیز نگران کرد. قبل از دهه ۸۰، مبارزان کرد مقدسات دینی مردم را با روزه‌خواری و کشیدن سیگار در ماه رمضان در ملأ عام تحقیر می‌کردند، اما بعد از انقلاب اسلامی ایران، کوشیدند حساسیت‌های دینی مردم را فراموش نکنند.

نگرانی دیگر ترکیه احتمال ائتلاف کردها با ارمنی‌ها بود که بنا به اعتقادات تاریخی معتقدند امپراتوری عثمانی ارمنی‌ها را قتل عام کرده است. جنگ ایران و عراق و نیز نابسامانی‌های ناشی از انقلاب اسلامی نگرانی ترکیه را تشدید می‌کرد. اوج این نگرانی در خبری بود که در ۹ مهرماه ۱۳۶۳، روزنامه ملیت چاپ استانبول آن را فاش کرد. در نامه تهدیدآمیزی که با امضای کمیته همکاری گُرد،

کردهای ترکیه مهم‌ترین نگرانی این کشور در این باره بوده است. انقلاب اسلامی و به دنبال آن جنگ عراق علیه ایران و بروز ناامنی در این کشور، ترس ترکیه از احتمال تجزیه و در نتیجه گسترش ناسیونالیسم کردی به ترکیه را افزایش داد. اولسون معتقد است که از زمان قاجار، مسئله کردها یکی از عناصر ثابت در روابط دو کشور بوده و حتی در برخی از مواقع، به تنش بین دو کشور نیز منجر شده است. وی این نکته بسیار مهم را یادآور می‌شود که منافع ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک دو کشور ایران و ترکیه مانع از آن شده است که مسئله کردها به قطع روابط دو کشور منجر شود.<sup>۲</sup>

به دلیل این منافع درازمدت میان دو کشور، می‌توان گفت در جنگ ایران و عراق، دغدغه اصلی ترکیه،

شد که هر گونه تخطی از مواضع فعلی ترکیه در جنگ مزبور، کل منطقه را در آینده متضرر خواهد کرد. وی در ادامه افزود ترکیه همواره از اعتماد دو طرف برخوردار بوده است و با اجرای سیاست‌های بی طرفانه، از اتخاذ مواضعی که این اعتماد را خدشه دار کند، اجتناب کرده است. خلف اوغلو، وزیر امور خارجه وقت ترکیه، در گفت و گو با روزنامه ملیت با اشاره به درک درست این کشور از مواضع ایران، عملکرد این کشور را در خلیج فارس دفاعی خواند و افزود اظهارات مقامات ایرانی از آن حکایت دارد که این کشور خواهان گسترش جنگ در منطقه نیست. تلاش آنکارا این است که سوء تفاهم‌های ناشی از اظهارات مسئولان کشورهای منطقه را از بین ببرد و در حکم یک کشور بی طرف در نزدیک کردن دو طرف اختلاف به یکدیگر بکوشد.<sup>۶</sup>

### ج) توسعه اقتصادی

هر چند ترکیه روند مدرنیزاسیون را از دهه ۳۰ آغاز کرده و در دوران جنگ سرد نیز، از کمک‌های بلوک غرب در این راستا بهره برده بود، در دهه ۸۰ و در زمان نخست‌وزیری تورگوت اوزال، حرکت جدی و منسجمی برای توسعه اقتصادی آغاز شد. اقدامات گسترده و چشمگیر اوزال در این دوران باعث شد تا ترکیه شکوفایی و رشد اقتصادی درخور توجهی را شاهد باشد. عملکرد وی به حدی مؤثر بود که برخی از تحلیلگران به تبعیت از تاجریسم و ریگانیسم از گفتمان اوزالیسم در ترکیه سخن می‌گویند. اریک کورنل اظهار می‌کند اوزال شخصیت مرموزی داشت، هم به اسلام‌گرایان و طریقت‌ها نزدیک بود هم با نظامیان رابطه خوبی داشت، هم از ارزش‌های سکولار دفاع می‌کرد و هم اهانت‌کنندگان به مظاهر و شعائر اسلامی را در اداره‌های دولتی تنبیه و مجازات می‌نمود. همین‌طور به گفته برخی اوزال گُرد بود، ولی با ناسیونالیسم کردی مخالفت می‌کرد.<sup>۷</sup>

نظریه پردازان توسعه اقتصادی عامل اصلی توسعه را خروج از چرخه باطل در کشورهای در حال توسعه می‌دانند. متغیر اصلی این چرخه باطل، نبود سرمایه است. اگر کشورها بتوانند به انباشت سرمایه اقدام کنند، از این دور باطل خلاص خواهند شد. روش‌های متعددی برای این کار وجود دارد که استفاده از کمک‌های خارجی یا بهره‌گیری از شرایط ویژه در تجارت از جمله آنهاست. مورد ترکیه نشان می‌دهد که در کنار وجود محرک‌های داخلی، محیط بین‌المللی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه

ارمنی و مجاهدین خلق (منافقین)، در این روز به سفارت ترکیه در تهران ارسال شد از کلیه کارکنان سفارت خانه و خانواده‌های آنان خواسته شد تا هر چه زودتر ایران را ترک کنند در غیر این صورت، هدف عملیات تروریستی قرار خواهند گرفت. این کمیته هدف خود را مبارزه و آزادسازی ارمنستان از اشغال ترکیه اعلام کرد و نوشت، تشکیلاتی برای همکاری میان ارمنه و کردها به وجود آمده که سازمان مجاهدین خلق (منافقین) نیز حمایت خود را از آن اعلام کرده است. روزنامه ملیت در ادامه افزود که در طول یک سال گذشته، ارمنه ایران بیش از پانزده عملیات تروریستی را علیه دیپلمات‌ها و بازرگانان ترکیه انجام داده و حتی به هنگام دیدار رسمی اوزال از ایران در ماه مارس گذشته یک تاجر ترک به نام بولدر را ترور کرده‌اند.<sup>۸</sup>

این تهدیدات در حالی بود که سه روز قبل از آن بمبی در مقابل هتل آزادی تهران که گفته می‌شد، محل اقامت بازرگانان ترک است کار گذاشته شده بود، اما تورگوت اوزال برای جلوگیری از ایجاد تنش در روابط دو کشور اعلام کرد که بازرگانان ترک هدف این انفجار نیستند. با افزایش امنیت داخلی در ایران و طرد گروه‌های مبارز کرد و

### منافع ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک دو کشور ایران و ترکیه مانع از آن شده است که مسئله کردها به قطع روابط دو کشور منجر شود

نیز مجاهدین خلق (منافقین) از این کشور، نگرانی ترکیه نیز تا حد درخور توجهی برطرف شد.

نکته دیگری که باید به آن توجه شود، این است که شمال عراق از نظر گسترش ناسیونالیسم کردی به ترکیه، همواره نسبت به کردستان ایران تهدید جدی تری محسوب شده است. به همین دلیل نیز، ترک‌ها کوشیده‌اند از گسترش جنگ به مناطق کردنشین عراق به شدت جلوگیری کنند. حتی زمانی که احتمال گسترش منطقه‌ای جنگ افزایش یافت، ترک‌ها فعالیت‌های دیپلماتیک خود را برای برقراری صلح یا دست‌کم جلوگیری از گسترش جنگ تشدید کردند. در ۳۱ مرداد ماه ۱۳۶۶، تورگوت اوزال با تکرار ادعای سیاست بی‌طرفی کشورش در برابر جنگ ایران و عراق، شدت گرفتن بحران در منطقه کردنشین ترکیه را ناشی از این امر دانست و تأکید کرد کشورهای دیگر منطقه نیز از رعایت اصول بی‌طرفی از جانب ترکیه در قبال جنگ ایران و عراق حمایت می‌کنند. هم‌چنین، یادآور

و خیم تر کرد. تحت چنین شرایطی، توسعه اقتصادی و جذب سرمایه برای ترکیه نوعی بازی مرگ و زندگی به شمار می‌رفت؛ زیرا، این کشور با داشتن جمعیت زیاد، فاقد منابع انرژی کافی بود.

نداشتن منابع سرشار نفتی و برخوردار نبودن از رانت‌های ناشی از صادرات بر موضعگیری‌های ترکیه سایه افکنده است. برای نمونه، در دهه ۸۰، این کشور برای جلب رضایت اعراب روابط دیرینه خود را با اسرائیل رسماً به سطح دبیر دوم تنزل داد. سخنگوی وزارت امور خارجه دلیل اتخاذ این تصمیم را عقب‌نشینی نکردن اسرائیل از سیاست‌های سازش‌ناپذیر خود در منازعه خاورمیانه و ایجاد بن‌بست در وضعیت حقوقی بیت‌المقدس اعلام کرد، اما در واقع، از اتخاذ این تصمیم دو هدف عمده داشت: تلاش برای کسب اعتبار اسلامی در داخل و خارج کشور از سوی نظامیان حاکم و تلاش برای جذب سرمایه برای تأمین بودجه. در سال ۱۹۸۰، کل ارزش صادرات ترکیه ۲/۲ میلیارد دلار آمریکا بود، در حالی که هزینه واردات نفت در همان

یک کشور دارد. حرکت کشورهای آسیای جنوب شرقی در راستای توسعه، با تحولات اقتصاد سیاسی بین‌الملل در دهه ۷۰ و ظهور شرکت‌های چند ملیتی که برای افزایش سود خود به سوی نیروی کار ارزان در کشورهای در حال توسعه روی آوردند همراه شد. ترکیه نیز زمانی این حرکت را به طور جدی آغاز کرد که سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال در حال شکل‌گرفتن بود. در این سیاست، سیاست اقتصادی جایگزینی واردات جای خود را به افزایش صادرات داده بود و هدف از این اقدام همانا انباشت سرمایه بود.

آغاز جنگ ایران و عراق یکی از بهترین موقعیت‌ها برای انباشت سرمایه در ترکیه محسوب می‌شد. هزینه‌های سرسام‌آور جنگ در کنار تحریم تسلیحاتی، نیاز به فروش نفت را افزایش داد و امن‌ترین مسیر برای انتقال نفت نیز مسیر ترکیه بود. افزون‌بر این، ترس از پیروزی ایران در جنگ نیز نزدیکی اعراب به ترکیه را به منزله یک وزنه متقابل موجب شد. وضعیت مزبور به ترکیه این امکان را داد

### استفاده از نمادهای اسلامی در جنگ و مقاومت بی‌نظیر مردم در مقابل حمله عراق، نشان‌دهنده پتانسیل نهفته در اسلام بود که می‌توانست حتی بدون وجود اقدام عملی برای صدور انقلاب اسلامی، اسلام‌گرایان ترکیه را به ادامه مبارزه خود در داخل نظام سیاسی ترکیه تشویق کند

سال به ۲/۶ میلیارد دلار می‌رسید. مقامات ترکیه به دلیل بحران شدید اقتصادی و در راستای تأمین نفت لازم برای زمستان آینده، مجبور شدند حمایت کشورهای تولیدکننده نفت را جلب کنند. در همان روزی که ترکیه کاهش سطح روابط خود را با اسرائیل اعلام کرد، عربستان چکی را به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار به مقامات ترک تحویل داد.<sup>۱</sup>

با کاهش قیمت نفت در اواسط دهه ۸۰، ترکیه بار دیگر به اسرائیل نزدیک شد. در این جا بود که اوزال در برابر انتقاد اعراب از این حرکت، نیت واقعی خود را آشکار و اعلام کرد ترکیه همیشه بر اساس اصل سود و زیان عمل می‌کند و اعراب باید از این امر آگاه باشند. «بر همین اساس، هنگامی که ترکیه در اواخر جنگ دریافت که نمی‌تواند چون گذشته از ایران، عراق و کشورهای عرب سرمایه جذب کند، درصدد برآمد همراه با کشورهای دیگر طرح صلحی را به دو کشور پیشنهاد دهد. این امر، به ویژه بعد از آزادسازی خرمشهر و ترس شدید اعراب از پیروزی ایران مشهود بود. در مهرماه ۱۳۶۳، یک روزنامه پاکستانی گزارش داد که عربستان سعودی و ترکیه طرحی برای پایان جنگ در برابر

تا بتواند در راستای توسعه اقتصادی، سرمایه لازم را انباشت کند. طبق آمارها، روابط تجاری ترکیه با ایران طی جنگ به شدت افزایش پیدا کرد. در حالی که میزان صادرات ترکیه به ایران در سال ۱۹۷۸، ۴۴ میلیون دلار و در سال ۱۹۷۹ ۱۲ میلیون دلار بود، در سال ۱۹۸۵، به ۷۱ میلیارد دلار رسید. همین‌طور، ترکیه از راه ترانزیت نفت در سال ۱۹۸۴، دویست میلیون دلار و در سال ۱۹۸۵، ۱۶۲ میلیون دلار درآمد کسب کرد.<sup>۲</sup> در ضمن، به دلیل شرایط خاص پیش‌آمده کالاهای غربی را با سود بیشتری به ایران و عراق صادر می‌کرد.

برای درک چرایی روی آوردن نخبگان ترک به خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی باید به شرایط بد اقتصادی این کشور در اوایل دهه ۸۰ اشاره کرد. از سال ۱۹۷۵ به بعد، ذخایر ارزی ترکیه به شدت کاهش یافت و به نابودی اقتصادی ترکیه منجر شد. بحران اقتصادی ۱۹۷۸-۱۹۷۹ سخت‌ترین بحرانی بود که این کشور تجربه نمود.<sup>۳</sup> از طرف دیگر، آشوب‌های سیاسی به وجود آمده در این کشور قبل از کودتای ۱۹۸۰، وضعیت اقتصادی را

این اساس برنامه‌ریزی شده بود. ترکیه می‌کوشید ضمن حفظ بی‌طرفی، برای اصلاح و ترمیم نظام اقتصادی خود بیشترین بهره‌برداری اقتصادی را از دو طرف جنگ بنماید. این درحالی بود که دولت حاکم ضمن اعلام سیاست بازار آزاد آشکارا ترجیح اصل سود و منفعت را اعلام کرده و محور قرارگرفتن امور اقتصادی با آغاز زمامداری اوزال روند صعودی به خود گرفته بود، تا حدی که سیاست خارجی بر پایه اقتصاد و منافع آن بنیان نهاده شد. اوزال پس از پیروزی در انتخابات ۱۹۸۳ گفت در سیاست، همه چیز بر ثروت و دارایی استوار است. او اعتقاد داشت که افزایش تجارت خارجی ترکیه یک معجزه تلقی می‌شود و تنها راه توسعه اقتصادی کشور است.<sup>۱۳</sup>

#### د) مهاجرت ایرانیان به ترکیه

در اوایل جنگ، بسیاری از گروه‌های اپوزیسیون ایرانی به دلایل مختلف ایران را به مقصد اروپا یا آمریکا ترک کردند. در این میان، ترکیه به منزله پل ارتباطی میان ایران و غرب محسوب می‌شد. بسیاری از گروه‌های طرفدار نظام سلطنتی در ایران که تصور می‌کردند عمر نظام سیاسی جدید زیاد نخواهد بود، راهی ترکیه شدند تا دوباره بعد از مدت کوتاهی، به ایران بازگردند. در کنار اینها، سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که اصلی‌ترین گروه اپوزیسیون نظامی بود نیز، بعد از اختلافات و درگیری‌های داخلی، راه خارج از کشور را در پیش گرفت و در مسیر خود، مدتی را نیز در ترکیه مستقر شد. جمهوری اسلامی ایران همواره به وجود این نوع گروه‌ها اعتراض می‌کرد؛ زیرا، مهاجران از این راه می‌توانستند به خرابکاری در ایران اقدام کنند. به گفته رابرت اولسون، در سال ۱۹۸۹، بین ۱ تا ۱/۵ میلیون ایرانی ساکن ترکیه بودند. فعالیت‌های این افراد ناراحتی ایران را موجب شده بود.<sup>۱۴</sup>

ایران نگران همکاری میان سازمان‌های امنیتی اطلاعاتی ترکیه (از سوی دولت ترکیه)، گروه‌های محارب کردستان و نیز گروه‌های سلطنت طلب فراری بود. پخش برنامه‌هایی علیه ایران از یک رادیوی سلطنت طلبان موسوم به رادیو آزاد از ترکیه نگرانی ایران را تشدید کرده بود.<sup>۱۵</sup> این گروه‌ها بیشتر در هیئت‌های مختلف به ایران وارد می‌شدند و اقداماتی را در داخل کشور انجام می‌دادند. دولت ترکیه به این گروه‌ها به مثابه اهرم فشاری علیه ایران می‌نگریست و معتقد بود از این راه می‌تواند ایران را به قطع حمایت از گروه‌های اپوزیسیون ترکیه و مشخصاً P.K.K وادار کند؛

سرنگونی رئیس‌جمهور عراق به ایران عرضه کرده‌اند.<sup>۱۶</sup> بعدها، مقامات ایران وجود چنین طرحی را رد کردند.

از طرف دیگر، قدرت‌های غربی و آمریکا این موضعگیری ترکیه و روی آوردن آن به روابط تجاری را به طور ضمنی تأیید کردند. حتی ترکیه بعد از گروگانگیری آمریکاییان در ایران و تحریم علیه این کشور، از این تحریم‌ها پیروی نکرد و روابط تجاری خود را با ایران گسترش داد. در واقع، ترکیه همواره تأکید کرده است که آمریکا باید خاص بودن روابط ترکیه با ایران و عراق را درک کند. از نظر بلوک غرب، روابط ترکیه و ایران از گرویدن ایران به سمت بلوک شرق و شوروی جلوگیری می‌کرد و همین امر امتیازی بزرگ برای آنها محسوب می‌شد. می‌توان ادعا کرد ترکیه نیز همانند آمریکا از تضعیف دو قدرت منطقه‌ای چندان ناراضی نبود، به ویژه از تضعیف ایران که به دلیل پتانسیل‌های بالای اقتصادی و دارا بودن عوامل سنتی قدرت می‌توانست در آینده، به یک رقیب جدی منطقه‌ای برای ترکیه تبدیل شود. در عین حال، نباید فراموش کرد که تضعیف بیش از حد این دو کشور نیز می‌توانست تهدیدات جدی را علیه امنیت ترکیه ایجاد کند؛ زیرا، نگاه ترکیه به خاورمیانه (به اعتقاد بسیاری از

---

### موضعگیری آنکارا با موضع واشنگتن که می‌کوشید بنا به سیاست کلی جلوگیری از ظهور هژمون‌های منطقه‌ای، هر دو کشور قدرتمند مخالف اسرائیل، یعنی ایران و عراق را هم‌زمان تضعیف کند، همسو بود

---

تحلیلگران) متأثر از مسائل امنیتی است و در بُعد سیاست خارجی نیز، سیاست خاورمیانه‌ای این کشور در راستای پیروی سیاست اروپایی این کشور تعریف می‌شود. برای نمونه، تصمیم کشورهای اروپایی برای نپذیرفتن کارگران خارجی، اقتصاد ترکیه را تحت تأثیر قرار داد و این کشور را وادار کرد تا توجه خود را به جهان عرب، به ویژه کشورهای نفت خیز خلیج فارس معطوف کند.

بنابراین، می‌توان گفت که در کنار عوامل دیگر و از جمله بی‌طرفی سنتی ترکیه در بسیاری از تحولات منطقه‌ای و جهانی آن هم بر اساس اصول بنیادین کمالیسم، تجارت و اقتصاد مهم‌ترین عامل در اتخاذ سیاست بی‌طرفانه ترکیه بود، چرا که زیربنای روابط این کشور بر

تداوم جریان نفت مهم ترین دغدغه بلوک غرب درباره جنگ ایران و عراق محسوب می شد. در این باره، ترکیه منافع غرب را از نظر انتقال امن انرژی تأمین می نمود و از این راه، به انباشت سرمایه در داخل کمک می کرد. البته، ترکیه تمایل نداشت که خود غرب مستقیماً انتقال دهنده نفت و تأمین کننده امنیت باشد؛ زیرا در این صورت، اهمیت ژئوپلیتیکی این کشور کاهش می یافت. ترکیه نگران آن بود که دخالت مستقیم قدرت های خارجی در جنگ موسوم به نفتکش ها که عراق در خلیج فارس به راه انداخته بود، تغییر موازنه را به نفع یکی از دو طرف و در نتیجه کم رنگ شدن نقش متوازن کننده ترکیه تغییر دهد. در همین راستا بود که کان دمیر، قائم مقام وزارت خارجه ترکیه، در پیامی که از طرف تورگوت اوزال به مهندس موسوی تقدیم کرد، خطاب به معاون سیاسی نخست وزیر ایران اظهار داشت: «مسئله خلیج فارس مربوط به کشورهای منطقه است و باید توسط خود آنان و به دور از اعمال فشار حل شود. قدرت های بزرگ خارجی نباید در خلیج فارس دخالت کنند و کشتی های جنگی نیز باید منطقه را ترک کنند».<sup>۱۶</sup> در شهریورماه سال ۱۳۶۶ نیز، وحیدخلف اوغلو طی دیداری که با معیری، معاون سیاسی نخست وزیر ایران، در آنکارا داشت، اظهار کرد: «ما (ترکیه) به عنوان کشور همسایه ایران، معتقدیم که جنگ نباید گسترش پیدا کند و از سوی دیگر با مداخله نیروهای خارجی در منطقه خلیج فارس نیز موافق نیستیم». نزهت خان، قائم مقام وزیر خارجه ترکیه نیز، در این دیدار با اشاره به این که تحولات منطقه به سود عراق است گفت: «بغداد می کوشد جنگ را بین المللی نماید. به اعتقاد ترکیه قدرت های خارجی باید از خلیج فارس بیرون

چیزی که ایران همواره آن را انکار می کرد. امضای معاهده امنیتی میان دو کشور در سال ۱۹۸۹ اندکی به این نگرانی ها پایان داد و اخراج شمار زیادی از گروه های اپوزیسیون ایرانی را از ترکیه موجب شد.

مسئله گروه های اپوزیسیون در روابط ایران و ترکیه همواره با افت و خیزهایی وجود داشته، ولی به دلیل منافع ژئوپلیتیکی، هیچ گاه درگیری میان دو کشور را باعث نشده است. در کنار اینها، گروه های مزبور در داخل جامعه مشروعیت درخور توجهی ندارند؛ بنابراین، نمی توانند علیه امنیت تهدیدی جدی محسوب شوند. افزون بر اینها، هنگامی که بسیاری از گروه های اپوزیسیون ایرانی مقیم ترکیه به این واقعیت پی بردند که نظام سیاسی جدید ایران در حال تثبیت است یا از فعالیت سیاسی دست برداشتند یا راهی دیگر کشورهای اروپایی و امریکا شدند.

## ۲) جنگ ایران و عراق و مسائل منطقه ای

در بین تحلیلگران مسائل ترکیه، این اجماع نظر نسبی وجود دارد که سیاست خارجی این کشور در دوران جنگ سرد از قرار گرفتن این کشور در بلوک غرب متأثر بود. از همین رو، نقش ترکیه در خاورمیانه نیز تا حد زیادی تحت تأثیر عملکرد غرب قرار داشت. در اواسط سال ۱۹۷۰، هنگامی که کشورهای اروپایی ورود کارگران خارجی را ممنوع کردند، ترکیه برای نشان دادن نارضایتی خود، متوجه کشورهای عربی شد و به طور موقت، روابط خود را با این کشورها تقویت کرد. از این نظر، می توان گفت سیاست خاورمیانه ای ترکیه همواره ابزاری برای پیوستن این کشور به جمع کشورهای اروپایی بوده است.





شود و در نتیجه، درباره مسئله آب و استان هاتای (اسکندرون) بر ترکیه فشار وارد آید. از طرف دیگر، تقویت حزب بعث عراق می‌توانست نقش ایران را به منزله یک کشور با نفوذ در سوریه تضعیف کند. البته، این امر نیز به ضرر ترکیه بود؛ زیرا، این کشور دیگر نمی‌توانست از طریق ایران از اقدامات عملی سوریه جلوگیری کند.

سرانجام می‌توان سه دغدغه اصلی ترکیه در خاورمیانه، یعنی اسلام‌گرایی، ناسیونالیسم‌گردد و مناقشه آب را زیر مفهوم حفظ امنیت در منطقه برای انباشت بیشتر سرمایه خلاصه کرد. در این راستا، ترکیه به اقداماتی در جنگ عراق علیه ایران واکنش نشان می‌داد که می‌توانست معادله مزبور را مختل کند. در صورتی که حوادث جنگ تهدیدی جدی برای انباشت سرمایه نبود. ترکیه می‌کوشید از هرگونه موضعگیری صریح و علنی اجتناب کند. در عین حال، مقامات این کشور در محافل و نشست‌های خصوصی واقع‌بینی خود را به مسئولان ایرانی انتقال می‌دادند. برای نمونه، یکی از مقام‌های ترکیه در دیدار خصوصی با یکی از مسئولان ایرانی گفته بود شورای امنیت هیچ‌گاه دادگاهی که عراق را متجاوز اعلام کند، تشکیل نخواهد داد.<sup>۸</sup> این اظهارات را می‌توان به نوعی بازتاب بی‌اعتمادی موجود در فرهنگ سیاسی ایرانی‌ها و ترک‌ها نسبت به قدرت‌های خارجی دانست؛ زیرا، در طول چند سال گذشته، هر دو کشور به دلیل مداخله قدرت‌های بزرگ به تدریج، موقعیت بین‌المللی برتر خود را از دست داده‌اند.

### ۳) جنگ ایران و عراق و مسائل بین‌المللی

هرچند پیش از انقلاب، ایران و ترکیه در معادلات جهانی دوران جنگ سرد در بلوک غرب قرار داشتند و سوریه و عراق نیز از حمایت‌های بلوک شرق برخوردار بودند، اما با وقوع انقلاب اسلامی و محور قرار گرفتن شعار نه شرقی نه غربی، ایران در عمل هر دو بلوک را به چالش طلبید. عمده‌ترین محور چالش همانا اسلام‌گرایی بود که در مقابل کمونیسم و لیبرالیسم به منزله ایدئولوژی‌های مادی برآمده از دل عصر روشنگری، ایدئولوژی دیگری را مطرح می‌کرد که با مادی‌گرایی مدرنیته مخالفت می‌کرد. از این نظر، هر دو بلوک در رفع تهدیدات ناشی از انقلاب اسلامی منافع مشترکی داشتند و جنگ بهترین موقعیت برای عملی کردن این خواسته بود. در صورتی که ایران می‌توانست در جنگ پیروز شود، این امکان وجود داشت که قطب سومی نیز در نظام بین‌الملل شکل گیرد و معادلات مورد پذیرش هر دو

بروند و اجازه دهند کشورهای منطقه خود در این مورد تصمیم بگیرند و ترکیه با این نظر ایران موافق است که تمام نیروهای خارجی اعم از نیروهای آمریکا، شوروی، فرانسه و انگلیس باید از منطقه خارج شوند.<sup>۹</sup>

به این ترتیب، رویکرد منطقه‌ای ترکیه به جنگ ایران و عراق را می‌توان در دو مقوله بررسی کرد، نخست این که ترکیه می‌کوشید تا به غرب نشان دهد که حافظ منافع آنها در منطقه خاورمیانه است؛ بنابراین، غرب باید ترکیه را جدی بگیرد. دوم این که می‌کوشید از بروز هرگونه تحول عمده‌ای که انباشت سرمایه از راه بهره‌برداری از منطقه ثروتمند خاورمیانه را مختل نماید، جلوگیری کند. در این راستا، ترکیه حتی گاهی با متحدان غربی خود نیز مخالفت می‌کرد. نمونه این امر، مخالفت این کشور با دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در جنگ نفتکش‌ها بود.

در توجیه چرایی این موضعگیری باید به این نکته مهم توجه کرد که در دوران جنگ سرد، به دلیل شرایط دو قطبی حاکم بر نظام بین‌الملل، این امکان برای برخی از کشورهای متوسط و ضعیف وجود داشت که برای افزایش قدرت مانور خود از این شرایط بهره‌گیرند. از نظر رابطه میان اعمال قدرت و فضا-زمان، می‌توان گفت که در دوران جنگ سرد، میان کسب قدرت در فضای بین‌المللی و اعمال آن در فضای منطقه‌ای شکافی زمانی وجود داشت و این شکاف که نتیجه رقابت دو ابرقدرت بود به کشورهای متوسط (از نظر قدرت) این امکان را می‌داد که از این تأخیر زمانی به نفع خود بهره‌برداری کنند. قرارگرفتن ترکیه در خط گسل بلوک غرب و شرق این وضعیت را تقویت می‌کرد. از این دیدگاه، بهترین وضعیت برای ترکیه حفظ توازن میان ایران و عراق و جلوگیری از برتری یکی از آنها بود. تنها تحت چنین شرایطی، منافع منطقه‌ای ترکیه، یعنی انباشت سرمایه و حفظ امنیت مرزهای این کشور تأمین می‌شد.

ترکیه از برهم خوردن توازن در جنگ ایران و عراق که به دلیل دخالت قدرت‌های خارجی پدید آمده بود نیز، اظهار نگرانی می‌کرد؛ زیرا، چنین وضعی می‌توانست برتری نسبی ترکیه بر سوریه را تحت تأثیر قرار دهد. در طول جنگ، سوریه به منزله اصلی‌ترین تهدید امنیتی ترکیه در خاورمیانه با ایران روابط نزدیکی داشت و می‌کوشید از این راه، رقیب ایدئولوژیک خود، یعنی حزب بعث عراق را تضعیف کند. در صورتی که حزب بعث عراق تضعیف می‌شد، ممکن بود موقعیت سوریه در جهان عرب تقویت